



دوشنبه هشتم مهر ماه ۱۳۹۸

سال هفتاد و پنجم شماره ۲۱۷۱۲

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	دانشگاه علوم پزشکی شیراز	۱۳۹۸/۵/۱	رأی شماره ۸۴۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص لزوم داشتن ۵۰ سال سن جهت قبول درخواست بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور
۳	معاونت تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران	۱۳۹۸/۵/۱	رأی شماره ۸۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بخشنامه شماره ۳۰/۶۰۵۲ - ۳۰۹/۳ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۱ معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان
۴	سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور	۱۳۹۸/۵/۱	رأی شماره ۸۸۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۱ دستورالعمل شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۵/۱۲/۲ مدیرکل دفتر نوسازی، تحول اداری و فناوری اطلاعات سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور
۶	شورای اسلامی شهرکرد	۱۳۹۸/۵/۸	رأی شماره ۹۰۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه شماره ۱۵۶ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ شورای اسلامی شهرکرد در خصوص افزایش عوارض ۳٪ حق النظاره مهندسين به ۴٪
۷	معاونت توسعه مدیریت و منابع شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران	۱۳۹۸/۵/۸	رأی شماره ۹۰۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بخشنامه شماره ۷۱۹۸۰ - ۱۳۹۶/۷/۱ معاون توسعه مدیریت و منابع شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران وابسته به وزارت راه و شهرسازی
۹	سازمان اداری و استخدامی کشور	۱۳۹۸/۵/۸	رأی شماره ۹۰۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بندهای ۱ و ۳ بخشنامه شماره ۱۵۱۲۸۴۴ - ۱۳۹۶/۸/۲۲ سازمان اداری و استخدامی کشور
۱۰	هیأت عمومی دیوان عدالت اداری	۱۳۹۸/۵/۸	رأی شماره ۹۰۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۱۳۱۲ - ۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱۱	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۵/۸	رأی شماره ۹۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱۲	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۵/۸	رأی شماره ۹۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱۴	بنیاد ملی نخبگان	۱۳۹۸/۵/۸	رأی شماره ۹۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۵ آیین‌نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰
۱۵	شورای اسلامی شهر گرگان	۱۳۹۸/۵/۸	رأی شماره ۹۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه شماره ۹۵/۵۷۰۹/۳ شورای اسلامی شهر گرگان
۱۸	شورای اسلامی شهر رامسر	۱۳۹۸/۵/۸	رأی شماره ۹۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه شماره ۲۶۱ - ۱۳۸۸/۱۱/۲۰ شورای اسلامی شهر رامسر
۱۹	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	۱۳۹۸/۵/۸	رأی شماره ۹۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال نامه شماره ۲۳۵۷۵۵ - ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

قوانین و مقررات عمومی

شماره ۹۷۰۰۸۰۴

۱۳۹۸/۵/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۸۴۸ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱ با موضوع: «ابطال بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص لزوم داشتن ۵۰ سال سن جهت قبول درخواست بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۱ شماره دادنامه: ۸۴۸ شماره پرونده: ۸۰۴/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای حسین کاویانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص لزوم داشتن ۵۰ سال سن جهت قبول درخواست بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در خصوص لزوم داشتن ۵۰ سال سن جهت قبول درخواست بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً به استحضار می‌رساند اینجانب حسین کاویانی متولد ۱۳۴۸/۴/۱۰ و ۲۷ سال و اندی سابقه خدمت و شغل پرستار کارمند دانشگاه علوم پزشکی شیراز و شاغل در بیمارستان امام خمینی شهرستان آباءه هستم و دارای ۴ ماه خدمت داوطلبانه در جبهه در سال ۱۳۶۶ و یک ماه در سوریه در سال ۱۳۹۵ هستم و بر اساس مفاد قوانین فوق‌الذکر و چون پرستاری از مشاغل سخت و زیان آور محسوب شده و شاغلان آن حداقل با ۲۰ سال سابقه خدمت و حسب مورد ۵ سال ارفاق می‌توانند بازنشسته شوند (وفق تبصره ۱ ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری) و ماده ۲۷ قانون جامع اینترگران، مدت خدمت داوطلبانه جانبازان، رزمندگان، آزادگان و شهدا در جبهه قبل از استخدام و اشتغال در صورت تمایل جزء سنوات قابل قبول از لحاظ بیمه و بازنشستگی به ماخذ مشاغل سخت و زیان آور (یک به یک و نیم) محسوب می‌گردد. نظر به اینکه تقاضاهای بازنشستگی در سال ۱۳۹۵ و مهر ماه ۱۹۳۶ به دانشگاه علوم پزشکی و بیمارستان بدون پاسخ مانده و به طور شفاهی و پس از پیگیریهای مکرر اظهار داشتند که باید سن من ۵۰ سال باشد. با عنایت به اینکه مقنن در بند ج تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ و مواد ۲۸ و ۲۹ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۹۳، هیچ گونه اختیاری به دستگاه‌های اجرایی به منظور تعیین هرگونه شرط نظیر حدنصاب سن متقاضیان اعطاء نکرده تا از صدور احکام بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت ممانعت کنند، بنابراین اقدام دانشگاه علوم پزشکی شیراز خارج از حدود اختیارات قانونی مربوط بوده و در صلاحیت آن نمی‌باشد. لذا با عنایت به متن قانون و شرایط مقرر که در زیر آورده می‌شود از محضر قضات شریف و دلسوز دیوان عدالت اداری تقاضا دارد نسبت به ابطال بخشنامه تعیین سن متقاضیان دانشگاه و الزام به پذیرش و صدور ابلاغ بازنشستگی اینجانب اوامر لازم صادر فرمایند.

متن بخشنامه نحوه موافقت با بازنشستگی (مصوبه ۵۰۹۶۰ - ۱۳۹۴/۴/۳ سازمان مدیریت، قانون بازنشستگی و بند «ج» تبصره ۱۸ قانون بودجه ۱۳۹۴) و تنها شروط مندرج و قابل اجرا:

۱- با مسئولیت بالاترین مقام (موضوع مواد ۵۲ و ۵۳ قانون محاسبات عمومی)

۲- بدون سنوات ارفاقی

۳- پرداخت کامل پاداش پایان خدمت و ذخیره مرخصی (ماده ۱۰۷ قانون مدیریت خدمات کشوری) حداکثر ۵٪ اعتبارات هزینه‌ای.»

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور» «شرایط متقاضیان»

- فقط مشمولین صندوق بازنشستگی کشوری

- مرد: ۲۵ سال سابقه خدمت و ۵۰ سال سن

- زن: ۲۵ سال سابقه خدمت بدون شرایط سنی

- زن: ۲۰ سال سابقه خدمت و داشتن بیماری خاص و صعب‌العلاج با داشتن گواهی پزشک و تأیید پزشک معتمد دانشگاه

- شاغل بودن دو سوم از کل خدمت در پست یا رشته شغلی مشاغل سخت و زیان آور الزامی است

- آخرین پست سازمانی در پستهای مشاغل سخت و زیان آور باشد

«توضیحات به متقاضی قبل از ارائه درخواست»

- حقوق بازنشستگی بر اساس سابقه خدمت اصلی + سنوات ارفاقی

- پاداش پایان خدمت بر اساس سابقه خدمت اصلی (تعهد محضری حداقل ۱۸ ماهه اخذ می‌گردد)

- بابت سنوات ارفاقی بدهی سهم مستخدم ۹٪ آخرین حقوق × ماههای ارفاقی به عهده مستخدم می‌باشد

- حقوق بازنشستگی به نسبت حقوق شاغلی کاهش چشمگیری دارد

«مدارک لازم»

- موافقت واحد محل خدمت بدون درخواست جایگزین همزمان و غیر همزمان و بدون قید و شرط

- موافقت معاونت مربوطه بدون درخواست جایگزین همزمان و غیر همزمان و بدون قید و شرط

- تعهد محضری فقط گواهی امضا در دفترخانه شود و نیازی به صدور سند نیست

- تکمیل فرم درخواست بازنشستگی

- پرونده خلاصه شده طبق چک لیست + کلیه جلد‌های پرونده پرسنلی

- صدور حکم بازنشستگی با نوع حکم بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور

- ارائه پرونده خلاصه شده طبق چک لیست به همراه حکم بازنشستگی جهت امضاء حکم الزامی است

- تاریخ اجرای حکم بازنشستگی ۱۳۹۶/۱۲/۲۹

- پرونده‌ها به طور کامل تا پایان آذر ماه تحویل اداره بازنشستگی شود.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر امور حقوقی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی استان فارس به موجب لایحه شماره ص/۹۷/پ/۲۰۸/۹۷ - ۲۴۳۴۶/۲۱ - ۱۳۹۷/۶/۲۱ توضیح داده است که:

«مدیر دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شماره پرونده: ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۳۳۱ شماره بایگانی شعبه: ۹۲۰۹۲

با سلام و احترام و با صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

بازگشت به ابلاغ نامه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع شماره پرونده صدرالذکر در خصوص دادخواست آقای حسین کاویانی به خواسته ابطال بخشنامه دانشگاه ضمن ایفاد نامه شماره ۲۱۰۸۷۳۸/۹۷ - ۱۳۹۷/۶/۱۹ مدیریت منابع انسانی دانشگاه به استحضار می‌رساند دستگاه‌های اجرایی فقط مجری قوانین و مقررات مصوب مجلس شورای اسلامی و هیأت وزیران می‌باشند و از خود قانون وضع نمی‌کنند و به استناد تبصره ۷ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ موضوع تصویب‌نامه ۲۲۶۸۶/ت/۳۳۷۵۰ - ۱۳۸۵/۳/۶ هیأت وزیران و دستورالعمل نحوه بازنشستگی و محاسبه سنوات ارفاقی مربوط به مشاغل سخت و زیان آور (پرستار و بهیار) حداقل سن برای مردان ۵۰ سال پیش‌بینی شده، بنابراین دانشگاه در چارچوب مقررات سن بازنشستگی جهت بازنشستگی مردان به استناد مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ نیز به استحضار می‌رساند این قانون در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۵ منقضی شده و از سوی مجلس شورای اسلامی تمدید نشده بنابراین خواسته‌های شاکي مغایر قوانین است و رد شکایت مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: مطابق تبصره ۳ ماده ۳ قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب سال ۱۳۶۷ که مقرر شده است: «شاغلین مشاغل سخت و زیان آور که وظایف مربوط به شغل آنان باعث بروز ناراحتی‌های جسمی و روحی می‌گردد، می‌توانند با داشتن حداقل بیست سال سابقه خدمت و بر اساس درخواست کتبی خود با حداکثر پنج سال ارفاق بازنشسته شوند.» و در تبصره ۱ ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ نیز مقرر شده است: «سابقه مذکور در بند الف و همچنین شرط سنی مزبور در بند (ب) برای متصدیان مشاغل سخت و زیان آور و جانبازان و معلولان تا پنج سال کمتر می‌باشد و شرط سنی برای زنان منظور نمی‌گردد.» این حکم به مفهوم آن است که سن شاغلین

در نظر گرفته است و در هیچ کجای این قوانین (مصوب مجلس) تداخل و تضادی بین این دو سهمیه وجود ندارد چنانچه اگر کسی مشغول به تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی باشد می‌تواند همزمان با توجه به مدرک تحصیلی خود از سهمیه اشتغال و استخدام بهره‌مند گشته و این سهمیه برایش اعمال گردد. لیکن در خرداد ماه ۱۳۹۵ بخشنامه صادره از بنیاد شهید و امور ایثارگران به این مضمون که افرادی که مشغول به تحصیل می‌باشند و طبق تعریف این بخشنامه مشمول عنوان بیکار نیستند (چرا که طبق تعریف این بنیاد کسانی که مشغول به تحصیل هستند عنوان فاقد شغل در سیستم سجایا برایشان ثبت گردیده و کسانی که مشغول به تحصیل نیستند عنوان بیکار و این تفکیک و تعریف در نهایت مضحکی و بی‌پایه و اساس بودن است) از سهمیه اشتغال و استخدام و به تبع آن از سایر تسهیلات مربوطه همچون وام اشتغال محروم گشته مادامی که به تحصیل مشغول هستند. با توجه به اینکه شأن بخشنامه از لحاظ سلسله مراتب پایین‌تر از قانون مصوب مجلس می‌باشد به خصوص اینکه قوه مجریه توان قانونگذاری ندارد و بایستی بخشنامه‌هایی که صادر می‌گردد در راستای اجرای قوانین مصوب مربوطه باشد نه اینکه در مغایرت و تضاد با آن قوانین باشد چنانچه ملاحظه می‌فرمایید با توجه به این مغایرت بخشنامه شماره ۳۰/۶۰۵۲ - ۳۰/۹/۳ - ۳۰/۹/۳ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۱ معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان] با مواد ۲ و ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و بند چ ماده ۸۸ قانون برنامه ششم توسعه، طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درخواست رسیدگی و ابطال این بخشنامه را داریم.

ضمناً با توجه به اینکه رسیدگی به این دعوا و صدور رأی در این باب مستلزم صرف زمان طولانی است و با توجه به برگزاری آزمونهای سرنوشت ساز استخدامی از جمله آزمون وکالت و مشاوران حقوق قوه قضاییه و غیره که زمان زیادی تا برگزاری آنها باقی نمانده است و به احتمال زیاد تا آن زمان درباره این دعوا تصمیمی اتخاذ نگردیده است و با عنایت به اینکه اجرای این بخشنامه تا زمان صدور حکم منشاء خسارتهای غیرقابل جبران و از بین رفتن فرصتهای بسیار می‌شود لذا درخواست داریم تا روشن شدن مساله و اتخاذ تصمیم عادلانه آن دیوان، دستور موقت توقف اجرای این بخشنامه را خواستاریم.

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«رئیس محترم بنیاد شهرستان....

سلام علیکم

احتراماً پس از حمد و ثنای خداوند متعال و درود و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) همان طور که مستحضرد من بعد جذب و به کارگیری و استخدام ایثارگران در دستگاه‌های اجرایی و سایر مراکز و سازمانها و نهادهای عمومی از طریق شرکت در آزمون انجام می‌پذیرد. نحوه و چگونگی برگزاری آزمون عمدتاً توسط سازمان سنجش آموزش کشور و با هماهنگی بنیاد انجام خواهد پذیرفت و همان طور که در بخشنامه‌های قبلی هم تاکید شده شرط بهره‌مندی ایثارگران واجد شرایط از سهمیه استخدامی حداقل ۲۵٪ بیکار بودن آنان در سیستم سجایا می‌باشد. ضمناً با اطلاع ثانوی ملاک و معیار تأیید بیکاری و اولویت‌بندی ایثارگران بر مبنای اطلاعات مندرج در سامانه سجایا خواهد بود لذا مقتضی است دستور فرمایید سریعاً ضمن اطلاع‌رسانی به کلیه ایثارگران متقاضی شرکت در آزمونهای استخدامی آتی تاکید شود تا نسبت به تطابق وضعیت شغلی و تحصیلی خود با اطلاعات مندرج در سیستم سجایا و اصلاح آن از طریق بنیاد محل پرونده پیگیری و اقدام نمایند. ضمناً موارد ذیل پیگیری و مورد نظر قرار گیرد.

الف) اداره کل اشتغال از تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱ رأساً بر اساس اطلاعات مندرج در سیستم سجایا در خصوص تأیید بیکاری و تعیین اولویت استخدامی ایثارگران شرکت‌کننده در آزمونها (اقدام خواهد نمود).

ب) مسئولیت هرگونه اشتباه در درج اطلاعات ایثارگر و یا عدم ثبت اطلاعات مورد نظر در سیستم سجایا و عواقب ناشی از آن به عهده آن اداره کل و ایثارگر می‌باشد.

ج) مشمولین سهمیه حداقل ۲۵٪ مجاز به استفاده و بهره‌مندی از سهمیه ۵٪ سایر ایثارگران نبوده و بالعکس.

د) به لحاظ محدودیت سهمیه استخدامی ویژه ایثارگران (سهمیه حداقل ۲۵٪) به عزیزان ایثارگر متقاضی استخدام که واجد شرایط بهره‌مندی از سهمیه ایثارگری نمی‌باشند توصیه شود به منظور بهره‌مندی از مزایای تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و یا احیاناً استفاده از سهمیه استخدامی غیر ایثارگری (سهمیه استخدامی آزاد) در آزمون ذیربط شرکت نمایند. - معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی و معاضدت قضایی بنیاد شهید و امور ایثارگران به موجب لایحه شماره ۵۴۰۷/۸۵۰/۱۲۶ - ۱۳۹۸/۱/۱۸ توضیح داده است که:

مشاغل سخت و زیان‌آور مشمول بازنشستگی بند (الف) ماده ۱۰۳: «حداقل سی سال سابقه خدمت برای مشاغل غیر تخصصی و سی و پنج سال برای مشاغل تخصصی با تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و بالاتر با درخواست کارمند برای سنوات بالاتر از ۳۰ سال.» پنج سال خدمتی کاهش می‌یابد و در هیچ یک از این دو مقرر مذکور شرطی برای برخورداری از جهت سن فرد متقاضی پیش‌بینی نشده است. ثانیاً: تبصره ۷ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب سال ۱۳۸۵ هیأت وزیران که در آن مقرر شده بود: «حداقل سن بازنشستگی برای کلیه معلولین عادی، بیماران ناشی از شرایط خاص کار، معلولین حوادث ناشی از کار و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مشمول تبصره ۳ قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب سال ۱۳۶۷ به ترتیب برای مردان و زنان (۵۰) سال و (۴۵) سال می‌باشد.» مورد استناد شاکي واقع شده است به موجب دادنامه شماره ۵ - ۱۳۸۷/۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به جهت افزایش شرط سنی مذکور و تضییق شمول قانون ابطال شده است. ثالثاً: از نظر مقررات اختصاصی حاکم بر دانشگاه‌ها نیز به موجب ماده ۹۷ آیین‌نامه اداری، استخدامی و تشکیلاتی کارمندان غیر هیأت علمی مصوب سال ۱۳۹۱ هیأت امنا مقرر شده است: «شرایط بازنشستگی کارمندان در موسسه به شرح ذیل است: الف - موسسه مکلف است کارمندان خود را که سی سال سابقه خدمت دارند، بازنشسته نماید. ب - موسسه می‌تواند کارمند خود را با داشتن حداقل شصت سال سن و حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت با حداقل بیست و پنج روز حقوق بازنشسته نماید. تبصره ۱- موسسه مجاز است در موارد خاص و حسب نیاز از خدمات کارمندی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند، در صورت تمایل کارمند با تصویب هیأت رئیسه حداکثر تا سی و پنج سال سنوات خدمت استفاده نماید. تبصره ۲- سابقه مذکور در بند الف ماده ۹۷ و همچنین شرط سنی مزبور در بند (ب) برای متصدیان مشاغل سخت و زیان‌آور و جانبازان و معلولان تا پنج سال کمتر می‌باشد و شرط سنی برای زنان منظور نمی‌گردد.» همان گونه که ملاحظه می‌شود در تبصره ۲ ماده مذکور نیز مشابه حکم مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور و جانبازان و معلولان پنج سال سن خدمتی کاهش یافته و جهت برخورداری از آن شرطی برای سن فرد متقاضی پیش‌بینی نشده است. بنا بر مراتب مصوبه مورد اعتراض به دلیل مغایرت با قوانین پیش گفته مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۱۲۰۸

۱۳۹۸/۵/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۸۸۱ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱ با موضوع: «ابطال بخشنامه شماره ۳۰/۶۰۵۲ - ۳۰/۹/۳ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۱ معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۱ شماره دادنامه: ۸۸۱ شماره پرونده: ۱۲۰۸/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقایان امین خسروی و محسن اسرافیلیان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۳۰/۶۰۵۲ - ۳۰/۹/۳ مورخ

۱۳۹۵/۲/۱۱ معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۳۰/۶۰۵۲ - ۳۰/۹/۳

مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۱ معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان

را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

«احتراماً به عرض می‌رساند اینجانبان امین خسروی و محسن اسرافیلیان هر دو از جامعه شاهد و ایثارگر بوده و هر دو فارغ‌التحصیل از مقطع کارشناسی و مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد می‌باشیم. قوانین مربوطه برای جامعه شاهد و ایثارگر یک سهمیه ورود به دانشگاه و یک سهمیه اشتغال و استخدام برای افراد شاهد و ایثارگر

«مدیرکل محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً در ارتباط با دادخواست تقدیمی آقایان امین خسروی و محسن اسرافیلیان به شماره پرونده ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۲۶۰۱۰۸۸ و بایگانی ۱۲۰۸/۹۶ - ۱۳۹۶/۹/۲۸ با موضوع ابطال بخشنامه شماره ۳۰۹/۳۰۶۰۵۲ - ۳۰۹/۳۰۶۰۵۲ [۱۳۹۵/۲/۱۱ - ۳۰۹/۳۰۶۰۵۲] مورخ ۳۰۹/۳۰۶۰۵۲/۲/۱۱ معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان [اداره کل اشتغال و کارآفرینی بنیاد شهید و امور ایثارگران و ضمن اعلام این مطلب که بخشنامه مذکور خلاف هیچ یک از قوانین جاری نبوده، نکات ذیل را به استحضار می‌رساند:

الف) به استناد تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۹۰/۱۱/۱۸) و بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، بنیاد شهید و امور ایثارگران موظف بوده که فرزندان شاهد و جانباز و آزاده را با اولویت فرزندان شاهد و سپس فرزندان جانبازان بر اساس درصد جانبازی و آزادگان بر اساس مدت اسارت مذکور در این بند معرفی نماید که با این وصف این نهاد معرفی‌کننده افراد واجدالشرایط به دستگاه‌های اجرایی با توجه به اولویت‌های مقرر قانونی می‌باشد. بنابراین اقدام بنیاد شهید و امور ایثارگران در اولویت‌بندی جهت معرفی افراد به علت کثرت متقاضیان استخدام و محدودیت سهمیه‌های استخدامی کاملاً صحیح و بر مبنای قانون می‌باشد.

ب) شکات در حال حاضر مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد بوده بنابراین در سیستم جامع اطلاع‌رسانی ایثارگران به عنوان شاغل به تحصیل ثبت شده و جزء ایثارگران بیکار و فاقد شغل محسوب نمی‌گردد.

ج) یکی از شرایط استخدام و معرفی ایثارگران جهت استفاده از سهمیه استخدامی در مراکز دولتی عدم اشتغال به تحصیل ایثارگران معرفی شده به آن دستگاه به دلیل نیاز به خدمت تمام‌وقت این افراد می‌باشد و چنانچه اشتغال به تحصیل آنان اثبات شود ضمن حذف از لیست پذیرفته شدگان توسط دستگاه دولتی متقاضی، استخدام آنها کان لم یکن شده و یک سهمیه از سهمیه‌های استخدامی این نهاد حذف شده و از بین می‌رود.

لذا بخشنامه معترض عنه که در زمان حاکمیت قانون برنامه پنجم توسعه صادر شده است اولاً: جهت جلوگیری از ایجاد ضرر به سایر ایثارگران و ثانیاً: به دلیل کثرت افراد بیکار و متقاضی اشتغال و ثالثاً: به علت محدودیت سهمیه‌های استخدامی در مراکز دولتی تهیه و تنظیم شده بنابراین کاملاً بر مبنای قانون، عدالت، عقل و منطق صادر گردیده است. با عنایت به مراتب فوق رد دادخواست مطروحه و عدم ابطال بخشنامه شماره ۳۰۹/۳۰۶۰۵۲ - ۳۰۹/۳۰۶۰۵۲/۲/۱۱ اداره کل اشتغال و کارآفرینی بنیاد شهید و امور ایثارگران به دلیل عدم مغایرت با قوانین جاری مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً: به موجب ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، دستگاه‌های اجرایی مکلف شده‌اند حداقل ۲۵٪ از نیازهای استخدامی و تأمین نیروهای مورد نیاز خود را به خانواده ایثارگران اختصاص دهند و در زمان حاکمیت قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به استناد ماده واحده اصلاح بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله توسعه مصوب سال ۱۳۹۰ مقرر شده بود: «کلیه دستگاه‌ها مکلفند در چارچوب سهمیه استخدامی و جایگزینی نیروهای خروجی خود حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) نیازهای استخدامی خود را از میان جانبازان و آزادگان فاقد شغل و فرزندان و همسران شهداء و جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و فرزندان و همسران آزادگان بالای یک سال اسارت، معرفی شده از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران، تأمین و به استخدام آنان از محل مجوزهای مربوط و پستهای بدون متصدی اقدام نمایند.»

ثانیاً: در تعریف شغل در بخشهای دولتی و عمومی، ماده ۷ قانون استخدام کشوری عنوان داشته «شغل» عبارت است از مجموع وظایف مرتبط، مستمر و مشخصی که از سوی سازمان امور اداری و استخدامی کشور به عنوان کار واحد شناخته شده باشد و در تبصره ۲ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب سال ۱۳۷۳ نیز مقرر شده منظور از «شغل» عبارت است از وظایف مستمر مربوط به پست ثابت سازمانی یا شغل یا پستی که به طور تمام وقت انجام می‌شود. با عنایت به مراتب فوق هر چند شرط غیر شاغل بودن لازمه برخورداری از سهمیه ایثارگران می‌باشد، لیکن تحصیل کردن شغل محسوب نمی‌شود تا به صرف آن بتوان فرد ایثارگر را از امتیاز قانونی سهمیه استخدامی محروم نمود. بنابراین با توجه به مدافعات دستگاه طرف شکایت که به صراحت منظور از بیکار بودن در سیستم سجایا را از جمله عدم اشتغال به تحصیل عنوان کرده است، اطلاق مقررره مورد

شکایت به علت مغایرت با قوانین فوق‌الذکر مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۶۰۱۲۲۷

۱۳۹۸/۵/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۸۸۳ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۸۸۲ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱ با موضوع: «ابطال بند ۱ دستورالعمل شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۵/۱۲/۲ مدیرکل دفتر نوسازی، تحول اداری و فناوری اطلاعات سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۱ شماره دادنامه: ۸۸۳ - ۸۸۲

شماره پرونده: ۲۳۱۵/۹۷، ۱۲۲۷/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: ۱- رئیس دیوان عدالت اداری ۲- آقای رضا کیانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ردیف ۱ و بند ۴ آن از دستورالعمل شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۳/۱۲/۲ مدیرکل دفتر نوسازی، تحول اداری و فناوری اطلاعات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور

گردش کار: الف) آقای رضا کیانی به موجب دادخواستی ابطال بند ۴ ردیف ۱ دستورالعمل شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۳/۱۲/۲ مدیرکل دفتر نوسازی، تحول اداری و فناوری اطلاعات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً اینجانب رضا کیانی فرزند جانباز ۲۵٪ جنگ تحمیلی و ۱۸ ماه داوطلب و سابقه جبهه می‌باشم جهت استخدام در محل کار پدرم واقع در شهرداری شهرکرد با مدرک کاردانی معماری و نقشه کشی می‌باشم که با توجه به عدم وجود پست نقشه‌کشی و معماری فعلاً در شهرداری می‌باشد، شهرداری شهرکرد نسبت به معرفی پست مامور وصول و ممیزی به شورای اداری شهرداریها که شورای اداری در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۲۰ در خصوص عدم شرایط احراز موافقت نگردید اینجانب با توجه به ماده ۴۸ و ۴۴ قانون هیچ گونه اشاره‌ای در قانون جهت شرایط احراز پست داشته باشی به همین علت با عرض مراتب فوق تقاضای ابطال مبنی بر پیشنهاد پست بلا تصدی متناسب با مدرک تحصیلی در تشکیلات شهرداری یا سازمانهای وابسته و الزام به استخدام اینجانب بر اساس قانونهای فوق مورد استدعاست. با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری و مسئولین ذیربط مبنی بر حل معضل بیکاری جوانان و حل مشکلات خانواده ایثارگر که در رأس امور می‌باشند را دارم.»

شاکي متعاقباً به موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۹۹۶ - ۱۳۹۶/۹/۲۱ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

«هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: ابطال

با سلام احتراماً پیرو شکایت قبلی اینجانب رضا کیانی به شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۲۷۰۰۴۷۰ مبنی بر ابطال بند ۴ (صور تجلسه و استخدامی مبنی بر پیشنهاد پست بلا تصدی متناسب با مدرک تحصیلی در تشکیلات شهرداری و یا سازمان وابسته به موجب نامه شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۳/۱۲/۲ مدیرکل دفتر نوسازی و تحول اداری و فناوری اطلاعات ارسالی از سوی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کل کشور اعلام می‌دارد که در ماده ۴۸ قانون مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۵۳/۱۶۶۳۸۰ - ۱۳۸۴/۸/۲۹ و تبصره ۲ قانون اصلاح بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران هیچگونه اشاره‌ای مبنی بر پیشنهاد پست بلا تصدی متناسب با مدرک تحصیلی قید ننموده است حالیه شورای اداری و استخدامی شهرداریها مستقر در استانداری در بند ۲ نامه شماره ۹۵/۳۲/۳۲/۴۲۲۰۱ - ۱۳۹۵/۷/۱۰ به این مهم توجه نمود و اقدام به اکتفا نمودن به موضوع نامه شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۳/۱۲/۲ می‌نماید که این امر خلاف قانون بوده، با توجه به مراتب تقاضای ابطال بند فوق‌الاشاره و همچنین الزام به استخدام اینجانب در شهرداری شهرکرد به دلیل اینکه پدرم مستحق استفاده از این قانون بوده را می‌باشم.»

نیروهای خروجی خود حداقل بیست و پنج درصد (۲۵) نیازهای استخدامی خود را از میان جانبازان و آزادگان فاقد شغل و فرزندان و همسران شهداء و جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و فرزندان و همسران آزادگان بالای یک سال اسارت، معرفی شده از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران تأمین و به استخدام آنان از محل مجوزهای مربوط و پستهای بدون متصدی اقدام نمایند در مواردی که نیاز به تخصص دارد رعایت شرایط علمی الزامی است.» از آنجایی که در اعلام سهمیه ۲۵٪ ایثارگران آزمون استخدامی شهرداریهای استان چهارمحال و بختیاری شاکي از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان معرفی نشده است و در ۵ درصد سهمیه آزمون نیز شرکت نکرده است. لذا هیچ گونه حقی از نامبرده تزییع نشده است.

بر اساس تبصره بند «و» ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه، ایثارگرانی که از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران در سهمیه ۲۵ درصد آزمون استخدامی معرفی می‌گردند، صرفاً از شرط سنی، مدرک تحصیلی، معدل و آزمون معاف می‌باشند. صرف نظر از این همان گونه که مستحضرد مستفاد از بند «و» ماده ۴۴ آن است که دستگاهها موظفند، ۲۵٪ از نیاز استخدامی خود را از فرزندان شاهد و ایثارگر تأمین نمایند. به عبارت دیگر چنانچه ارگان مربوطه نیاز استخدامی نداشته باشد، ۲۵٪ یاد شده سالیانه به انتفاء موضوع خواهد بود. نتیجه آن که اعمال سهمیه و جذب نیرو بدواً منوط به نیاز استخدامی دستگاه و ورود مجوزهای لازم خواهد بود.

۸- فارغ از بند فوق لازم به ذکر است در خصوص موضوع آیین‌نامه ساماندهی اشتغال فرزندان شهدا و جانبازان ۲۵٪ به موجب بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه بلااثر گردیده و بند موصوف بنا بر نص ماده ۷۶ قانون جامع حمایت از ایثارگران مصوب ۱۳۹۱ مجری نبوده و قابل استناد نمی‌باشد و فی الحال ماده ۲۱ قانون مذکور لازم‌الاتباع می‌باشد. با توجه به توضیحات فوق روشن گردید شاکي می‌تواند در صورت نیاز دستگاه و وجود پست بلاتصدی متناسب جهت استخدام از مزایای ماده ۴۸ قانون تنظیم بهره‌مند گردد و در غیر این صورت از طریق کسب شرایط عمومی استخدام و شرکت در آزمون استخدامی و با استفاده و اعمال سهمیه ایثارگری در شهرداری به کارگیری شود. بنابراین قصور یا تقصیری از بابت خواسته شاکي متوجه شهرداری ذیربط و این سازمان نمی‌باشد، لذا با عنایت به جمیع مطالب معنونه رد شکایت شاکي مورد استدعاست.»

استاندار چهارمحال و بختیاری نیز در این خصوص به‌موجب لایحه شماره ۹۸۸۲/۱/۵۵۸۵۶ - ۱۳۹۵/۹/۱۴ توضیح داده است که:

«سلام علیکم

«احتراماً در پاسخ به دادخواست تقدیمی آقای رضا کیانی به طرفیت این استانداری موضوع پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۲۷۰۰۴۷۰ - ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۲۷۰۰۴۷۰ در اعتراض به نتیجه نحوه استخدام شهرداریها در سال ۱۳۹۴ و عدم جذب ایشان: مطالبی را به شرح ذیل در پاسخ به دعوای مطروحه اعلام می‌دارد:

۱- شهرداری شهرکرد به استناد ماده ۴۸ قانون الحاق موادی به تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت درخواست استخدام نامبرده را در پست «مامور وصول» نموده است و این پست زیرمجموعه رشته شغلی حسابدار رسته فرعی مالی در رسته اداری و مالی قرار می‌گیرد.

۲- ماده ۴۸ قانون اشاره شده در بند یک بیان می‌دارد که فرد می‌باید واجد شرایط عمومی باشد.

۳- بند «و» ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه تصریح می‌کند دستگاههای اجرایی ۲۵ درصد از سهمیه استخدامی خود را از میان فرزندان جانباز بالای ۲۵ درصد بدون رعایت الزامات سنی و مدرک تحصیلی و آزمون جذب نمایند در مواردی که نیاز به تخصص دارد شرایط علمی لازم الرعایه است. که نامبرده تاکنون در قالب سهمیه ۲۵ درصد خارج از نشر توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران به این دفتر معرفی نشده‌اند.

۴- نامه شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۳/۱۲/۲ سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور بیان می‌دارد که پست متناسب با مدرک تحصیلی توسط شهرداری پیشنهاد و در جلسه شورای اداری و استخدامی شهرداریهای استان مطرح و مصوب گردد.

۵- نامه شماره ۱۱/۱۰۸۱۰۲ - ۱۳۹۳/۶/۱۶ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با موضوع فهرست مشاغل تخصصی و تحقیقی مرتبط با وظایف شهرداریها رشته شغلی حسابدار را در زمره عناوین شغلی تخصصی (ردیف ۸) محسوب می‌نماید. شرایط احراز از نظر تحصیلات و تجربه رشته شغلی حسابدار شامل: دارا بودن گواهی‌نامه فوق دیپلم یا دانشنامه لیسانس یا فوق لیسانس یا دکتری در یکی از رشته‌های گروه امور اداری و مدیریت، امور مالی حسابداری، اقتصاد و حصول تجارت لازم طبق جدول شرایط احراز.

علی ای حال به استناد ماده ۴۸ قانون الحاق موادی به تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و نامه شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۳/۱۲/۲ سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و

ب) رئیس دیوان عدالت اداری نیز با این استدلال که ماده ۴۸ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۴ با ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱ و با لحاظ ماده ۷۶ همان قانون مغایر است ابطال ردیف ۱ دستورالعمل شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۳/۱۲/۲ مدیرکل دفتر نوسازی، تحول اداری و فناوری اطلاعات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور را خواستار شده است. متن دستورالعمل در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

«۱- ماده ۴۸ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت استخدام فرزندان کارکنان شهید، جانباز بیست و پنج درصد (۲۵٪) و به بالا و آزاده (اعم از شاغل، فوت شده و یا از کارافتاده) شهرداری که واجد شرایط عمومی استخدام می‌باشند. در این صورت ضروری است تا پدر یا مادر متقاضی استخدام، شاغل و یا بازنشسته در همان شهرداری بوده یا باشد.

مدارک مورد نیاز برای ارسال به سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و اعطای مجوز استخدام:

۱- معرفی‌نامه بنیاد شهید و امور ایثارگران ۲- تصویر آخرین مدرک تحصیلی ۳- تصویر حکم استخدامی پدر یا مادر در شهرداری و خلاصه سوابق خدمتی آنان ۴- صورتجلسه شورای اداری و استخدامی مبنی بر پیشنهاد پست بلاتصدی متناسب با مدرک تحصیلی در تشکیلات شهرداری یا سازمان وابسته.»

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون توسعه منابع و پشتیبانی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور به موجب لایحه شماره ۴۹۵۴۶ - ۱۳۹۵/۱۰/۶ توضیح داده است که: «بازگشت به اظهاریه مورخ ۱۳۹۵/۸/۱ پرونده ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۲۷۰۰۴۷۰ (بایگانی شعبه ۹۵۰۴۸۳) در خصوص شکایت آقای رضا کیانی به خواسته «ابطال دستورالعمل مبنی بر پیشنهاد پست بلاتصدی متناسب با مدرک تحصیلی و الزام به استخدام» به طرفیت این سازمان، مراتب ذیل را به عنوان لایحه دفاعیه به استحضار می‌رساند:

۱- حسب دادخواست و ضمایم، شاکي آقای رضا کیانی فرزند ایثارگر و جانباز ۲۵٪ آقای عبدالله کیانی می‌باشد. پدر شاکي شاغل در شهرداری شهرکرد و شاکي متقاضی استخدام در شهرداری می‌باشد.

۲- از آنجا که درخواست به کارگیری شاکي به عنوان فرزند جانباز، مازاد بر سهمیه استخدامی و خارج از چارچوب آزمون بوده است. ماده ۴۸ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵، حاکم بر موضوع می‌باشد. بر اساس ماده یاد شده کلیه سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند یکی از فرزندان کارکنان شهید، جانباز ۲۵٪ و به بالا و آزاده (اعم از شاغل، فوت شده و یا از کارافتاده) را که واجد شرایط عمومی استخدامی می‌باشند علاوه بر سهمیه استخدامی ایثارگران در همان دستگاه استخدام نمایند.

۳- شایان ذکر است نامه معترض عنه به شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۳/۱۲/۲ از سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، عنوان معاونت امور عمرانی استانداریهای سراسر کشور در راستای قوانین و مقررات مربوطه جهت مساعدت در تسریع درخواستهای ایثارگران معزز شهرداریها، صادر شده و جنبه بخشنامه‌ای دارد. ابطال بخشنامه نیز در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری نبوده و در صلاحیت هیأت عمومی می‌باشد. مضافاً اینکه ابطال بخشنامه‌ای که به منظور اجرای قانون است و مغایرت و تضادی با آن ندارد فاقد وجاهت قانونی است.

۴- بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۱ آیین‌نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور مصوب ۱۳۸۱ که حاکم بر نظام استخدامی شهرداریها می‌باشد، موضوع شرایط ورود به خدمت داوطلبان استخدام در شهرداریها، استخدام منوط به وجود پست بلاتصدی در تشکیلات سازمانی شهرداری در مشاغل تخصصی و تصویب شورای اداری و استخدامی است.

۵- مضافاً اینکه بر اساس ماده ۱۳ آیین‌نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور نیز، «شهرداریها مکلفند در صورت داشتن اعتبار لازم در بودجه مصوب، نیروی انسانی مورد نیاز خود را برای تصدی پستهای سازمانی از بین داوطلبان واجد شرایط پس از اخذ مجوز استخدام از مراجع ذیصلاح و موافقت وزارت کشور تأمین نمایند.»

۶- حسب دادخواست شاکي دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم نقشه‌کشی معماری می‌باشد و دارای شرایط احراز مندرج در طرح طبقه‌بندی و ارزشیابی مشاغل مستخدمین دستگاههای اجرایی مصوب ۱۳۷۰ در پست سازمانی ممیز و مامور وصول نمی‌باشد. بر اساس طرح طبقه‌بندی مذکور، شرایط احراز پست ممیز و مامور وصول در رشته شغلی حسابدار رسته اداری و مالی دارای بودن مدرک تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس و یا بالاتر در یکی از رشته‌های گروه امور اداری و مدیریت، امور مالی و حسابداری، اقتصاد می‌باشد و شاکي فاقد مدرک تحصیلی مرتبط است و حقی از ایشان تزییع نشده است.

۷- بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه اصلاحی ۹۱ که مورد استناد شاکي قرار گرفته، اشعار می‌دارد: «همه دستگاهها مکلفند در چهارچوب سهمیه استخدامی و جایگزینی

«حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند شهرداری شهرکرد براساس مصوبه شماره ۱۵۶ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ شورای اسلامی دوره دوم شهرکرد، مبادرت به اخذ ۴ درصد عوارض از مهندسين سازمان نظام مهندسی ساختمان تحت عنوان «حق‌النظاره» می‌نماید. متن مصوبه سال ۱۳۸۷ بدین شرح است، «عوارض ۴٪ حق مهندسی از مهندسين (معمار، شهرساز، ساختمانی، تاسیسات و ...) که در حوزه شهری فعالیت نموده و با توجه به تعرفه رسمی خدمات مهندسی که از سوی سازمان نظام مهندسی اعلام می‌گردد و از ابتدای سال ۱۳۸۸ به شرح زیر قابل وصول می‌باشد، ۴٪ × تعرفه خدمات مهندسی × مترائز زیربنا.

تبصره ۱: شهرداری موظف می‌باشد هر دو ماه یک بار و در صورت تفکیک نسبت به محاسبه عوارض موصوف و ارسال جهت هر یک از مهندسی مربوطه اقدام نموده و مهندسين باید حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ نسبت به واریز عوارض مذکور به حساب شهرداری اقدام و رسید مربوطه را جهت اخذ تسویه حساب به شهرداری ارسال نمایند.»

شورای اسلامی شهر مذکور در تبصره ۱ ذیل فصل اول کلیات دفترچه عوارض سال ۱۳۹۶ شهرداری شهرکرد چنین مصوب نموده است: «تبصره ۱: عوارض مصوب سال ۱۳۸۵ و بعد که در این مجموعه برای سال ۱۳۹۶ آورده نشده و تغییر نیافته است. عیناً برای سال ۱۳۹۶ در شهرداری شهرکرد قابل اجرا خواهد بود» به عبارت دیگر مصوبه شماره ۱۵۶ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ شورای اسلامی دوره دوم شهرکرد دایر بر اخذ ۴ درصد عوارض از مهندسين ناظر در سال ۱۳۹۶ نیز جاری و ساری شده است. این در حالی است که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطابق آرای صادره برای شهرهای مختلف کشور مبادرت به ابطال مصوبات شورای اسلامی شهرها دقیقاً با عنوان دریافت عوارض حق‌النظاره مهندسين به دلیل مغایرت با مفاد مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ به شرح جدول ذیل کرده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در متن آرای صادره خود حق‌النظاره مهندسان را از مصادیق ارائه خدمات دانسته که در بند الف ذیل ماده ۳۸ قانون مرقوم نرخ عوارض خدمات توسط قانونگذار تعیین شده است.

ردیف	عنوان عوارض	مرجع تصویب	شماره و تاریخ صدور رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱	عوارض حق‌النظاره مهندسين ناظر معادل ۳ درصد مترائز کارکرد بر اساس تعرفه نظام مهندسی	شورای اسلامی شهر شاهین شهر در سال ۱۳۹۰	۱۳۹۴/۱۱/۶ - ۱۲۲۸
۲	عوارض حق‌النظاره ساختمان (مهندسين ناظر) به میزان ۳ درصد حق‌الزحمه ناظرین	شورای اسلامی شهر همدان در سال ۱۳۹۲	۱۳۹۴/۱۱/۶ - ۱۲۲۹
۳	عوارض مشاغل مهندسين طراح و ناظر از قرار هر مترمربع وفق جدول تعیین شده	شورای اسلامی شهر قم در سال ۱۳۹۲	۱۳۹۵/۲/۲۸ - ۱۰۰
۴	تعرفه عوارض مهندسان مجری، عوارض خدمات مهندسی پروژه‌های مسکن مهر و سایر مهندسان مرتبط با امور ساختمان به میزان ۴ و ۵ درصد حق‌الزحمه وصولی	شورای اسلامی شهر مشهد در سال ۱۳۹۱	۱۳۹۵/۲/۲۸ - ۹۹
۵	عوارض حق‌النظاره و طراحی مهندسين به میزان ۵ درصد	شورای اسلامی شهر اراک در سال ۱۳۹۱	۱۳۹۵/۲/۲۸ - ۹۸
۶	عوارض حق‌النظاره خدمات مهندسی به میزان ۵ درصد	شورای اسلامی شهر کرج در سال ۱۳۹۴	۱۳۹۵/۳/۲۵ - ۲۲۸
۷	عوارض از رقم حق‌النظاره دریافتی مهندس ناظر به میزان ۳ درصد	شورای اسلامی شهر رشت در سال ۱۳۹۵	۱۳۹۶/۳/۲ - ۱۸۴

بنا به مراتب مصوبه شماره ۱۵۶ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ شورای اسلامی دوره دوم شهرکرد مبنی بر دریافت عوارض حق‌النظاره از مهندسين ناظر مستند به آرای صادره هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات و وظایف مرجع تصویب‌کننده تشخیص و ابطال آن مستند به ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از زمان تصویب مورد تقاضا می‌باشد. موجب امتنان است از نتیجه تصمیم متخذه این سازمان را مطلع فرمایید.»

در پی اخطار رفع نقیصه که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه شماره ۴۷۸۰۵ - ۱۳۹۷/۳/۶ توضیح داده است که:

نامه شماره ۱۱/۱۰۸۱۰۲ - ۱۳۸۳/۶/۱۶ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از آنجا که موضوع فهرست مشاغل تخصصی و تحقیقی مرتبط با وظایف شهرداری رشته شغلی حسابدار در زمره عناوین شغلی تخصصی محسوب می‌گردد و با توجه به مدرک تحصیلی کاردانی نقشه‌کشی معماری و شرایط احراز پست مامور وصول، موضوع استخدام نامبرده در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۶/۲۰ مطرح که به دلیل نداشتن شرایط احراز با استخدام وی موافقت نگردید. لذا در پایان با توجه به ذکر استدلالات و نظرات فوق، ضمن درخواست تدقیق در لایحه حاضر و مدارک پیوست صدور حکم بر بی‌حقی شاکی و رد دعوی ایشان مورد تقاضاست.»

شعبه ۲۵ دیوان عدالت اداری در خصوص خواسته شاکی مبنی بر ابطال بخشنامه شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۳/۱۲/۲ مدیرکل دفتر نوسازی، تحول اداری و فناوری اطلاعات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور موضوع خواسته را مشمول ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری دانسته است و قرار عدم صلاحیت به صلاحیت رسیدگی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صادر کرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً: به موجب ماده ۷۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱ کلیه قوانین و مقررات مغایر با قانون مذکور ملغی‌الاثرب شده است و به موجب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام سایر قوانین مصوب به نفع ایثارگران در صورتی که طی سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱/۱۰/۳ به تصویب رسیده و زمان اعتبار قانونی آنها به سر نیامده باشد به قوت خود باقی و معتبر است. ثانیاً: شرایط استخدام و تأمین نیروی مورد نیاز دستگاه‌های اجرایی از میان ایثارگران و خانواده آنها در ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و تبصره‌های آن مشخص شده است، بنابراین بند ۱ دستورالعمل شماره ۵۳۱۸۹ - ۱۳۹۳/۱۲/۲ مدیرکل دفتر نوسازی، تحول اداری و فناوری اطلاعات سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور که استخدام ایثارگران و فرزندان آنها را به استناد ماده ۸۴ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ تجویز کرده است، از این حیث که ماده ۴۸ قانون مذکور در زمان صدور مصوبه مورد شکایت به علت مغایرت با قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران منسوخ بوده است و اقدام بر اساس آن فاقد مبنای قانونی می‌باشد و در حال حاضر مفاد تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران حاکم است که حکم مقرر در آن متفاوت از ماده ۴۸ است مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۰۰۸۰ - ۱۳۹۸/۵/۲۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ - ۱۵۶ - ۱۳۹۸/۵/۸ مورخ ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۰۶ «ابطال مصوبه شماره ۱۵۶ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ شورای اسلامی شهرکرد در خصوص افزایش عوارض ۳٪ حق‌النظاره مهندسين به ۴٪» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۸ شماره دادنامه: ۹۰۶ شماره پرونده: ۸۰/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۱۵۶ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ شورای اسلامی

شهرکرد در خصوص عوارض حق‌النظاره مهندسين ناظر ساختمان

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور

به موجب شکایت نامه شماره ۱۱۲۳۷۸ - ۱۳۹۷/۵/۲۲ اعلام کرده است که:

ماده واحده: عوارض ۴ درصد حق مهندسی از مهندسين (معمار، شهرساز، ساختمانی، تاسیسات و ...) که در حوزه شهری فعالیت نموده و با توجه به تعرفه رسمی خدمات مهندسی که از سوی سازمان مهندسی اعلام می‌گردد و از ابتدای سال ۸۸ به شرح زیر قابل وصول می‌باشد.

۴٪ × تعرفه خدمات مهندسی × مترائز زیربنا

تبصره ۱: شهرداری موظف می‌باشد هر دو ماه یک بار در صورت تفکیک نسبت به محاسبه عوارض موصوف و ارسال جهت هر یک از مهندسين مربوطه اقدام نموده و مهندسين بایستی حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ نسبت به واريز عوارض مذکور به حساب شهرداری اقدام و رسید مربوطه را جهت اخذ تسویه حساب به شهرداری ارسال نمایند.

تبصره ۲: رفع هرگونه اختلاف فی مابین شهرداری و مهندسين در صلاحیت کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها بوده و رأی صادره قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد.

تبصره ۳: شهرداری موظف است به نحوی برنامه‌ریزی نماید که حقوقات شهرداری به طور کامل وصول و در صورت عدم پرداخت مجاز می‌باشد از پذیرش نقشه‌های جدید مهندس مربوطه خودداری نماید و پرونده را جهت رسیدگی به کمیسیون ماده ۷۷ ارسال نمایند و به ازای هر ماه تأخیر با رعایت تبصره ۱ به میزان ۵ درصد جریمه دیرکرد را نیز محاسبه و اخذ نماید.

تبصره ۴: شهرداری موظف است ۵۰ درصد از عوارض دریافتی را جهت تقویت بعد نظارتی شهرداری بر چگونگی ساخت و سازهای حوزه شهری اختصاص دهد.

تبصره ۵: بدیهی است عوارض موصوف صرفاً برابر ماده واحده و تبصره‌های مربوطه به صورت مستقیم از مهندسين وصول گردیده و هیچ گونه اجحافی به شهروندان را در پی نخواهد داشت.

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ تشخیص نشد.

علی‌رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضامنه آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض حق‌النظاره برای مهندسين ناظر و غیره در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین مصوبه شماره ۱۵۶ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ شورای اسلامی شهر شهرکرد مبنی بر افزایش عوارض ۳ درصد حق‌النظاره مهندسين به ۴ درصد تحت عنوان عوارض نظارت برای سال ۱۳۸۸ به دلایل مندرج در رأی شماره ۱۲۲۹ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۲۳۰۹ ۱۳۹۸/۵/۲۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۰۷ مورخ ۱۳۹۸/۵/۸ با موضوع: «ابطال بخشنامه شماره ۷۱۹۸۰ - ۱۳۹۶/۷/۱ معاون توسعه مدیریت و منابع شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران وابسته به وزارت راه و شهرسازی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۸ شماره دادنامه: ۹۰۷ شماره پرونده: ۲۳۰۹/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: خانم الهام بهره‌بر

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۷۱۹۸۰ - ۱۳۹۶/۷/۱ معاون توسعه مدیریت و منابع شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران وابسته به وزارت راه و شهرسازی

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۷۱۹۸۰ - ۱۳۹۶/۷/۱ معاون توسعه مدیریت و منابع شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران وابسته به وزارت راه و شهرسازی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«جناب آقای دربین

مدیر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً عطف به اخطاریه رفع نقص ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۰۱۱۹ - ۱۳۹۷/۲/۲۵ پیرامون مغایرت مصوبه شماره ۱۵۶ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ شورای اسلامی شهرکرد به استحضار می‌رساند، شهرداری شهرکرد بر اساس مصوبه مذکور مبادرت به اخذ ۴ درصد عوارض از مهندسين سازمان نظام مهندسی ساختمان تحت عنوان «حق‌النظاره» می‌نماید. متن مصوبه سال ۱۳۸۷ بدین شرح است «عوارض ۴٪ حق مهندسی از مهندسين (معمار، شهرساز، ساختمانی، تاسیسات و ...) که در حوزه شهری فعالیت نموده و با توجه به تعرفه رسمی خدمات مهندسی که از سوی سازمان نظام مهندسی اعلام می‌گردد و از ابتدای سال ۱۳۸۸ به شرح زیر قابل وصول می‌باشد: ۴٪ × تعرفه خدمات مهندسی × مترائز زیربنا.

تبصره ۱: شهرداری موظف می‌باشد هر دو ماه یک بار و در صورت تفکیک نسبت به محاسبه عوارض موصوف و ارسال جهت هر یک از مهندسين مربوطه اقدام نموده و مهندسين بایست حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ نسبت به واريز عوارض مذکور به حساب شهرداری اقدام و رسید مربوطه را جهت اخذ تسویه حساب به شهرداری ارسال نمایند.»

این در حالی است که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطابق آراء صادره برای شهرهای مختلف کشور، مبادرت به ابطال مصوبات شورای اسلامی شهرها دقیقاً با عنوان دریافت عوارض حق‌النظاره مهندسين به دلیل مغایرت با مفاد مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷) به شرح جدول ذیل نموده است:

ردیف	عنوان عوارض	مرجع تصویب	شماره و تاریخ صدور رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱	عوارض حق‌النظاره مهندسين ناظر معادل ۳ درصد مترائز کارکرد بر اساس تعرفه نظام مهندسی	شورای اسلامی شهر شاهین‌شهر در سال ۱۳۹۰	۱۳۹۴/۱۱/۶ - ۱۲۲۸
۲	عوارض حق‌النظاره ساختمان (مهندسين ناظر) به میزان ۳ درصد حق الزحمه ناظرین	شورای اسلامی شهر همدان در سال ۱۳۹۲	۱۳۹۴/۱۱/۶ - ۱۲۲۹
۳	عوارض مشاغل مهندسين طراح و ناظر از قرار هر مترمربع وفق جدول تعیین شده	شورای اسلامی شهر قم در سال ۱۳۹۲	۱۳۹۵/۲/۲۸ - ۱۰۰
۴	تعرفه عوارض مهندسان مجری، عوارض خدمات مهندسی پروژه‌های مسکن مهر و سایر مهندسان مرتبط با امور ساختمان به میزان ۴ و ۵ درصد حق الزحمه وصولی	شورای اسلامی شهر مشهد در سال ۱۳۹۱	۱۳۹۵/۲/۲۸ - ۹۹
۵	عوارض حق‌النظاره و طراحی مهندسين به میزان ۵ درصد	شورای اسلامی شهر اراک در سال ۱۳۹۱	۱۳۹۵/۲/۲۸ - ۹۸
۶	عوارض حق‌النظاره خدمات مهندسی به میزان ۵ درصد	شورای اسلامی شهر کرج در سال ۱۳۹۴	۱۳۹۵/۳/۲۵ - ۲۲۸
۷	عوارض از رقم حق‌النظاره دریافتی مهندس ناظر به میزان ۳ درصد	شورای اسلامی شهر رشت در سال ۱۳۹۵	۱۳۹۶/۳/۲ - ۱۸۴

شایان ذکر است هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در متن آرای صادره خود، حق‌النظاره مهندسان را از مصادیق ارائه خدمات دانسته که در بند «الف» ذیل ماده ۳۸ قانون مرقوم، نرخ عوارض خدمات توسط قانونگذار تعیین شده است. بنا به مراتب مصوبه شماره ۱۵۶ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ شورای اسلامی شهرکرد مبنی بر دریافت عوارض حق‌النظاره از مهندسين مغایر با مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر یاد شده بوده و ابطال آن مستند به ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از زمان مورد تقاضا می‌باشد. مضافاً مستند به آرای صادره هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اعمال مواد ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیز درخواست می‌شود. موجب امتنان است از نتیجه تصمیم متخذه این سازمان را مطلع فرمایید.»

متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«شورای اسلامی شهرکرد در جلسه عمومی شماره ۱۵۶ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ خود با پیشنهاد شهرداری مبنی بر افزایش عوارض ۳ درصد حق‌النظاره مهندسين به ۴ درصد به شرح ذیل بنا به تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و به استناد بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون شوراها مصوب ۱۳۷۵ برای اجرا در سال ۱۳۸۸ موافقت نمود.

«شرح عوارض»

عوارض نظارت	مصوبه سال ۱۳۸۴	پیشنهادی سال ۱۳۸۸
	۳٪	۴٪

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

با احترام به دلالت مستندات معنون تصدیع می‌دهد وفق بخشنامه مخدوش شماره ۷۱۹۸۰ - ۱۳۹۶/۷/۱ صادره از سوی معاون توسعه مدیریت و منابع شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران (که وفق ماده ۴ اساسنامه سهام آن صد در صد متعلق به دولت می‌باشد) کارمندان رسمی و پیمانی مکلف به ارائه گواهی مرخصی‌های استعلاجی بیش از سه روز در دومین روز مرخصی به شرکت مذکور شده‌اند که صدور بخشنامه مذکور به دلایل ذیل مغایر قوانین و مقررات جاری مربوط می‌باشد:

الف: در خصوص مستخدمین رسمی

الزام کارمندان رسمی به ارائه گواهی مرخصی‌های استعلاجی بیش از سه روز در دومین روز مرخصی به خواننده، در تضاد با حق قانونی کارمندان رسمی در ماده ۲۴ آیین‌نامه مرخصی‌ها می‌باشد که مقرر داشته «هرگاه کارمند شاغل بیمار شود و آن بیماری مانع از خدمت او باشد باید مراتب را در کوتاهترین مدت ممکن به اداره متبوع اطلاع دهد ... و گواهی پزشک را ... در موارد ده روز و بیشتر در اولین روز پس از مراجعه به محل خدمت به مدیر یا معاون واحد مربوط برای ارجاع به کارگزینی ارائه دهد.»

ب: در خصوص مستخدمین پیمانی

۱- الزام کارمندان پیمانی به ارائه گواهی مرخصی‌های استعلاجی بیش از سه روز در دومین روز مرخصی به خواننده نیز برخلاف مفاد ماده ۱۴ آیین‌نامه استخدام پیمانی علی‌الخصوص تبصره ۱ آن می‌باشد که اعلام نموده «این قبیل مستخدمین موظفند ضمن آگاه نمودن دستگاه ذیربط از علت عدم حضور خویش در محل خدمت مدارک مربوط به بیماری که به تأیید مراجع قانونی مذکور در قانون تأمین اجتماعی رسیده باشد را در پایان ایام بیماری ارائه نمایند.»

۲- نکته حائز اهمیت آن که هر چند کارمندان پیمانی وفق تبصره ۳ ماده ۸۴ قانون مدیریت خدمات کشوری تابع مقررات تأمین اجتماعی هستند، لیکن قانون تأمین اجتماعی در خصوص این موضوع سکوت است.

۳- بخشنامه مورد نزاع به استناد ماده ۶۲ قانون تأمین اجتماعی، به اشتباه برای ارائه گواهی استعلاجی مهلت ۲ روزه تعیین کرده است، لیکن ماده ۶۲ «قانون تأمین اجتماعی» در خصوص مستخدمین پیمانی مقرر داشته «... غرامت دستمزد از روز چهارم پرداخت خواهد شد...» و در خصوص مهلت ارائه گواهی مذکور تعیین تکلیف ننموده و صرفاً به تکلیف سازمان تأمین اجتماعی در خصوص پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری از روز چهارم پرداخته است، مفهوم این ماده چنین خواهد بود که پرداخت این غرامت یاد شده در سه روز اول مرخصی استعلاجی بر عهده آن سازمان نمی‌باشد. در تأیید استدلال فوق، تبصره ۲ ماده ۱۴ آیین‌نامه استخدام پیمانی مقرر می‌دارد «حقوق و فوق‌العاده‌های مستخدمین پیمانی که عدم اشتغال آن به سبب بیماری باشد... تا سه روز توسط دستگاه مربوطه پرداخت خواهد شد و مازاد بر سه روز تا خاتمه بیماری ... مشمول مقررات تأمین اجتماعی خواهد بود.» بنابراین استنباط خواننده از ماده ۶۲ قانون تأمین اجتماعی و صدور بخشنامه متنازع فیه بر مبنای آن ماده مردود می‌باشد.

با عنایت به مراتب فوق و با توجه به اینکه مفاد بخشنامه صدرالذکر در تضاد با مفاد آیین‌نامه‌های صادره از سوی هیأت وزیران قرار دارد و به همین دلیل موجبات تضییع حقوق کارمندان رسمی و پیمانی را فراهم می‌آورد، تقاضای بذل توجه و به طریق اولی طرح مراتب در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به استناد بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ النهایه ابطال بخشنامه معترض عنه مورد تمناست.»

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکای ارسال شده بود وی به موجب لایحه شماره ۹۷ - ۲۳۰۹ - ۱۰ مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۶ پاسخ داده است که:

«با احترام بازگشت به ابلاغیه رفع نقص در پرونده دعوی خانم الهام بهره بر به طرفیت شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران به خواسته ابطال بخشنامه شرکت مارالذکر در خصوص مرخصی استعلاجی که در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱۵ ابلاغ گردید، به استحضار می‌رساند وفق ماده ۴ اساسنامه شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران، سهام شرکت مذکور صد در صد متعلق به دولت می‌باشد، بنابراین آن شرکت دولتی است و وفق مواد ۵ و ۱۱۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۸/۱۷ مکلف به رعایت و اجرای احکام قانون اخیرالذکر و آیین‌نامه‌های اجرایی آن است. این در حالیست که بخشنامه مورد نزاع به شماره ۷۱۹۸۰ - ۱۳۹۶/۷/۱ صادره از سوی معاون توسعه مدیریت و منابع شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران به دلایل ذیل فراتر از حدود اختیارات و برخلاف نص صریح آیین‌نامه‌های مصوب هیأت وزیران تدوین و انشاء یافته است.

الف: در خصوص مستخدمین رسمی

هیأت وزیران با اختیار حاصله از ماده ۵۰ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵، آیین‌نامه مرخصی‌ها را در تاریخ ۱۳۴۶ تصویب نمود. وفق ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی مواد ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۹۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۹/۴/۸، آیین‌نامه مرخصی‌ها موضوع مواد ۴۷، ۴۸، ۴۹ قانون استخدام کشوری تنفیذ شده است. ماده ۲۴ آیین‌نامه مرخصی‌ها مقرر داشته «هرگاه کارمند شاغل بیمار شود و آن بیماری مانع از خدمت او باشد باید مراتب را در کوتاهترین مدت ممکن به اداره متبوع اطلاع دهد ... و گواهی پزشک را در موارد ده روز و بیشتر در اولین روز پس از مراجعه به محل خدمت به مدیر یا معاون واحد مربوط برای ارجاع به کارگزینی ارائه دهد.» لکن برخلاف ماده مارالذکر خواننده با صدور بخشنامه متنازع فیه کارمندان رسمی شرکت را مکلف به ارائه گواهی مرخصی‌های استعلاجی بیش از سه روز در دومین روز مرخصی به شرکت کرده است.

ب: در خصوص مستخدمین پیمانی

هیأت وزیران با اختیار حاصله از تبصره ماده ۶ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵، آیین‌نامه استخدام پیمانی را در تاریخ ۱۳۶۸ تصویب نمود و احکام قانونی مذکور به موجب ماده ۱۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی که اعلام می‌دارد «کلیه قوانین و مقررات عام و خاص به جز قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی مغایر با این قانون از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد.» کما کان به قوت خود باقی است. در حال حاضر خواننده کارمندان پیمانی شاغل را مکلف به ارائه گواهی مرخصی‌های استعلاجی بیش از سه روز در دومین روز مرخصی به آن شرکت کرده است که این بخشنامه برخلاف مفاد ماده ۱۴ آیین‌نامه استخدام پیمانی علی‌الخصوص تبصره ۱ آن می‌باشد که اعلام نموده «این قبیل مستخدمین موظفند ضمن آگاه کردن دستگاه ذیربط از علت عدم حضور خویش در محل خدمت مدارک مربوط به بیماری که به تأیید مراجع قانونی مذکور در قانون تأمین اجتماعی رسیده باشد را در پایان ایام بیماری ارائه نمایند.»

ج: عدم اختیار قانونی خواننده در تصویب بخشنامه معترض عنه:

به موجب بند ۱ ماده ۵۳ قانون احکام دائمی کشور، شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران می‌تواند بر اساس اساسنامه‌های اداری استخدامی خاصی که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد اداره شود، لیکن تاکنون اساسنامه مذکور تهیه و تصویب نشده است. بنابراین شرکت مذکور کماکان بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری و آیین‌نامه‌های آن اداره می‌شود و مکلف به اجرای احکام قانونی معنونه است. با عنایت به مراتب فوق و با توجه به اینکه مفاد بخشنامه صدرالذکر در تضاد آشکار با مفاد آیین‌نامه‌های صادره از سوی هیأت وزیران قرار دارد و به همین دلیل موجبات تضییع حقوق کارمندان رسمی و پیمانی را فراهم می‌آورد، تقاضای بذل توجه و ابطال بخشنامه متنازع فیه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به استناد بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ مورد تمناست.»

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«اعضای محترم هیأت مدیره، معاونان، مشاوران، مدیران کل و مدیران محترم ستادی و فرودگاهی (۳۵ - ۹۶)

با سلام و احترام پیرو بخشنامه‌های شماره ۸۰۱۴۲ - ۱۳۹۳/۸/۱۱، ۸۵۷۶۶ - ۱۳۹۳/۸/۲۸، ۱۰۷۰۶۷ - ۱۳۹۴/۹/۱۸، ۱۳۸۲۷۴ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۸ و ۶۲۷۳۵ - ۱۳۹۶/۶/۷ در اجرای تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۸۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، ماده ۶۲ قانون تأمین اجتماعی، بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۳/۵۲۷۱ - ۱۳۹۳/۴/۱۷ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور (سابق) و آیین‌نامه مرخصی‌ها و با عنایت به لزوم اصلاح فرایندهای اداری در راستای رعایت مقررات و برقراری نظم و انضباط اداری و همچنین ایجاد وحدت رویه و یکپارچه‌سازی و هماهنگی هر چه بهتر در پیاده‌سازی قوانین، به پیوست فرم مرخصی استعلاجی (کارکنان ستادی و فرودگاهی) برای اقدام لازم برابر با فرآیند زیر ارسال می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایید از تاریخ صدور این بخشنامه نسبت به تکمیل فرم و الصاق مدارک ذیربط به منظور اخذ مرخصی استعلاجی کارکنان هماهنگی لازم معمول گردد.

۱) مشترکین صندوق بازنشستگی کشوری:

۱-۱) ارسال گواهی پزشک معالج مستخدم برای اظهار نظر پزشک معتمد

۱-۲) تأیید گواهی توسط پزشک معتمد و تهیه حکم مرخصی استعلاجی

۱-۳) در صورت عدم تأیید گواهی اعاده به واحد سازمانی برای تعیین تکلیف

۲) مشترکین صندوق تأمین اجتماعی:

۲-۱) ارسال گواهی پزشک معالج مستخدم برای اظهار نظر پزشک معتمد

۲-۲) تهیه حکم مرخصی استعلاجی پس از تأیید پزشک معتمد برای مرخصی‌های

بین یک تا سه روز

۲-۳) بیش از سه روز ارسال به امور مالی برای قطع حقوق کارکنان غیر رسمی

کشوری مشمول مقررات این قانون در آمده است و به موجب بند ۱ ماده ۵۳ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵ مقرر شده است از نظر اداری، استخدامی، مالی و معاملاتی در چهارچوب اساسنامه مورد پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی و سازمانهای اداری و استخدامی کشور و برنامه و بودجه کشور که حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب و ابلاغ این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، اداره شوند لیکن تاکنون این اساسنامه به تصویب نرسیده است. ثانیاً: در خصوص نحوه مرخصی استعلاجی کارکنان دولت مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری، هیأت وزیران در حدود صلاحیت خود اقدام به وضع آیین‌نامه مبادرت کرده است، بنابراین صدور مصوبه مورد شکایت خارج از صلاحیت مقام وضع آن است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۰۳۲۵ (۱۳۹۸/۵/۲۷)

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۰۸ مورخ ۱۳۹۸/۵/۸ با موضوع: «ابطال بندهای ۱ و ۳ بخشنامه شماره ۱۵۱۲۸۴۴ - ۱۳۹۶/۸/۲۲ سازمان اداری و استخدامی کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۸ شماره دادنامه: ۹۰۸ شماره پرونده: ۳۲۵/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای سیامک برجوثی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱۵۱۲۸۴۴ - ۱۳۹۶/۸/۲۲ سازمان

اداری و استخدامی کشور

گردش کار: شاکي به موجب شکایت نامه ای ابطال بخشنامه شماره ۱۵۱۲۸۴۴ -

۱۳۹۶/۸/۲۲ سازمان اداری و استخدامی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته

اعلام کرده است که:

«رئیس کل محترم دیوان عدالت اداری

موضوع: تقاضای ابطال بخشنامه شماره ۱۵۱۲۸۴۴ - ۱۳۹۶/۸/۲۲ سازمان اداری و

استخدامی

با سلام

احتراماً به استحضار می‌رساند رئیس سازمان اداری و استخدامی طی بخشنامه

شماره ۱۵۱۲۸۴۴ - ۱۳۹۶/۸/۲۲ مجازات‌های جایگزین تعیین نموده، متن ماده ۹ قانون

رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب مجلس شورای اسلامی را تغییر داده و در مقام قانونگذاری

برآمده است. مضافاً اینکه اختیاراتی که قانونگذار در بندهای ۴ و ۵ ماده ۱۱۶ قانون مدیریت

خدمات کشوری به شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی داده است، مربوط است

به هماهنگی در اظهارنظر و پاسخگویی به استعلامات و ابهامات اداری در اجرای قانون مدیریت

خدمات کشوری و ایجاد وحدت رویه در چهارچوب مقررات قانون یاد شده زیرا قانونگذار

در قسمت اخیر هر دو بند ۴ و ۵ جمله «این قانون» را به کار برده که منظور قانونگذار،

قانون مدیریت خدمات کشوری بوده است ولی رئیس سازمان اداری و استخدامی با استناد

به بندهای ۴ و ۵ ماده ۱۱۶ قانون مدیریت خدمات کشوری اقدام به تغییر متن ماده ۹ قانون

رسیدگی به تخلفات اداری نموده، مجازات جایگزین تعیین و رأساً قانونگذاری نموده است.

قانون مدیریت خدمات کشوری ماده ۱۱۶

الف - ترکیب شورا

ب - وظایف و اختیارات

بند ۴ - هماهنگی در اظهارنظر و پاسخگویی به استعلامات و ابهامات اداری و استخدامی

دستگاههای اجرایی در اجرای مفاد این قانون.

بند ۵ - ایجاد رویه‌های واحد اداری و استخدامی در چهارچوب مقررات این قانون.

با توجه به اینکه اقدام رئیس سازمان اداری و استخدامی فراتر از اختیارات قانونی این

سازمان بوده و هرگونه اصلاح یا تغییر و حتی تفسیر متن قانون تنها در صلاحیت خود

قانونگذار است و حتی در صورت داشتن اختیار رفع ابهام، با صدور بخشنامه نمی‌توان متن

قانون مصوب را تغییر داد، از آن مقام موافقت با طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت

اداری و ابطال بخشنامه صادره مورد درخواست می‌باشد.»

۳-۴ معرفی مستخدم برای مرخصی‌های استعلاجی بیش از سه روز به سازمان تأمین اجتماعی برای دریافت غرامت دستمزد ایام بیماری

تذکر مهم: ثبت و اعمال مرخصی استعلاجی در سامانه حضور و غیاب پس از پر کردن فرم انجام می‌پذیرد، لکن تکمیل و ارسال فرم در اولین روز حضور برای مرخصی‌های استعلاجی کمتر از سه روز و برای بیش از سه روز در دومین روز مرخصی، الزامی خواهد بود. بدین روی در صورت عدم ارسال و تأیید فرم مربوط، مدت عدم حضور به عنوان کسر کار تلقی و مطابق ضوابط اقدام خواهد شد. - معاون توسعه مدیریت و منابع»

در پاسخ به شکایت مذکور، عضو هیأت‌مدیره و راهبر امور حقوقی شرکت فرودگاه‌ها و نوابری هوایی ایران به موجب لایحه شماره ۱۰۷۳۰۰۰ - ۱۳۹۷/۹/۲۶ مبادرت به ارسال لایحه دفاعیه شماره ۱۰۵۳۵۸ - ۱۳۹۷/۹/۲۱ کرده که متن آن به قرار زیر است:

«با سلام و احترام، بازگشت به نامه شماره ۱۰۰۸۱۱ - ۱۳۹۷/۹/۱۲ به استحضار می‌رساند:

۱- شرایط شغلی شاکي با توجه به موضوع شکایت و خواسته:

مطابق حکم کارگزینی شماره (۱۱۲۵۶۰ - ۱۳۹۷/۵/۶) نامبرده فوق با عنوان پست سازمانی کارشناس حقوقی اسناد و املاک فروگاهی و تحصیلات در مقطع لیسانس حقوق با سنوات خدمتی به مدت ۲ سال و ۵ ماه و ۶ روز (تا تاریخ ۱۳۹۷/۱/۱) در آن دفتر اشتغال به کار دارند.

ادله و موارد قابل استناد به موازین قانونی مربوط به موضوع شکایت و خواسته شاکي: این معاونت ضمن احترام به حقوق شهروندی و با رویکرد عدالت محورانه و ایفای حقوق مادی و معنوی دستگاه و ارباب رجوع، ادله و موازین مستند خود را در تهیه، تنظیم و صدور بخشنامه شماره ۷۱۹۸۰ - ۱۳۹۶/۷/۱ به شرح زیر معروض می‌دارد:

الف) نامبرده در بند الف دادخواست خود اظهار کرده‌اند که در بخشنامه مورد شکایت

کارمندان رسمی ملزم به ارائه گواهی مرخصی‌های استعلاجی بیش از سه روز در دومین روز مرخصی شده‌اند، در صورتی که این امر برای کارکنان غیر رسمی مشترک صندوق تأمین

اجتماعی برای دریافت غرامت دستمزد از سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد و تنها رعایت ماده ۲۱ آیین‌نامه مرخصی‌ها در بند ۵ جزء الف فرم مرخصی استعلاجی کارکنان ستادی تأکید شده است.

ب) وفق تبصره ۲ ماده ۱۴ آیین‌نامه استخدامی پیمانی، حقوق و فوق‌العاده‌های مستخدمین پیمانی که عدم اشتغال آنان به سبب بیماری می‌باشد و در بیمارستان بستری نشوند، تا سه روز توسط دستگاه مربوطه پرداخت خواهد شد و مازاد بر سه روز تا خاتمه بیماری و حداکثر تا پایان قرارداد مشمول مقررات قانون تأمین اجتماعی خواهد بود.

ج) طبق بند ۱ ماده ۶۲ قانون تأمین اجتماعی، غرامت دستمزد از اولین روزی که بیمه شده بر اثر حادثه یا بیماری حرفه‌ای و به موجب تشخیص سازمان تأمین خدمات درمانی قادر به کار نباشد، پرداخت خواهد شد. در مواردی که عدم اشتغال به کار و معالجه به سبب بیماری باشد، در صورتی که بیمار در بیمارستان بستری نشود، غرامت و دستمزد از روز چهارم پرداخت خواهد شد.

د) بر اساس بند ۲ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۳/۵۲۷۱ - ۱۳۹۳/۴/۱۷ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، غرامت دستمزد ایام بارداری و بیماری کارکنان رسمی و ثابت دستگاه‌های اجرایی که مشترک صندوق تأمین اجتماعی می‌باشند، با توجه به تبصره ۳ ماده ۸۴ قانون مذکور و با ملاحظه مفاد نامه شماره ۵۰۰۰/۹۱/۱۱۲۰ - ۱۳۹۱/۴/۳ با رعایت مقررات مربوط، بر عهده دستگاه اجرایی ذیربط می‌باشد.

با عنایت به مراتب پیش گفته هدف از تعیین اعلام مرخصی استعلاجی بیش از سه روز در دومین روز مرخصی برای کارکنان غیر رسمی مشترک صندوق تأمین اجتماعی به دلیل بیماری، تحقق بندهای (ب)، (ج) و (د) می‌باشد زیرا در صورتی که کارمند بیش از سه روز از مرخصی استعلاجی استفاده نماید و به دستگاه خود اطلاع ندهد و دستگاه نیز حقوق ایشان را پرداخت نمی‌نماید، در این صورت مسئولیت تضییع حقوق بیت‌المال بر عهده چه کسانی خواهد بود؟ خاطر نشان می‌سازد: مسلماً هدف از صدور بخشنامه صدرالاشاره ابلاغ رویه‌ها و ضوابط داخلی بر پایه اجرای صحیح و رعایت دقیق مقررات اداری ابلاغی و ایجاد نظم و انضباط اداری بوده و هرگونه تغییر در مسیر فرایند موجبات عدم اجرای صحیح مقررات ذیربط را فراهم خواهد آورد. خواهشمند است دستور فرمایید رد دعوی ایشان به نحو مقتضی به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری منعکس شود.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً: شرکت مادر تخصصی فرودگاه‌ها و نوابری هوایی ایران یک شرکت دولتی است که از لحاظ اداری و استخدامی بعد از تصویب قانون مدیریت خدمات

عنايت به اين كه رسيدگي به تخلفات اداري مشمولين قانون مديريت خدمات كشوري به موجب ماده ۹۷ قانون مذکور، بر اساس قانون رسيدگي به تخلفات اداري بوده لذا دستگاههاي مشمول قانون مديريت خدمات كشوري در اعمال مجازاتهاي بندهاي «ج»، «ز»، «ط» و «ح» با عنايت به اشاره به مواردی همچون گروه، حقوق مینا و ... با ابهام روبرو بودند و شورای توسعه مديريت و سرمايه انساني با توجه به جزه‌های ۴ و ۵ ردیف ب ماده ۱۱۶ در واقع پاسخگوی ابهام دستگاهها در اجرای مفاد قانون مديريت خدمات كشوري بوده است. ۲- ديوان عدالت اداري طی دادنامه شماره ۱۲۸ - ۱۳۹۱/۳/۸ بند ۲ بخشنامه شماره ۲۰۰/۱۷/۳۴۰۸۸ - ۱۳۸۸/۴/۱۰ دبیر هیأت عالی نظارت معاونت توسعه مديريت و سرمايه انساني رئیس‌جمهور (سابق) را از اين حيث كه به منظور پرداخت حقوق اشخاص بازخريد شده در اجرای بند ج ماده ۹ قانون رسيدگي به تخلفات اداري در زمان لازم‌الاجرا شدن قانون مديريت خدمات كشوري، حقوق مینای سال قبل از اجراي شدن قانون مذکور را (كه در قانون مديريت وجود ندارد) مقرر کرده بود ابطال نمود لذا اقدام سازمان اداري و استخدامي كشور در راستای اجراي نمودن رأی هیأت عمومي و با مینا قرار دادن آن صورت پذیرفته است. لذا با عنايت به موارد فوق و اینکه مصوبه شورای مزبور در راستای وظايف و اختيارات قانوني خود بوده است تقاضای رد شکایت شاکي را دارد.»

هیأت عمومي ديوان عدالت اداري در تاريخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونين ديوان عدالت اداري و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب ديوان تشكيل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومي

اولاً: با توجه به اینکه به موجب ماده ۹۷ قانون مديريت خدمات كشوري: «رسيدگي به مواردی كه در اين قانون ممنوع و يا تكليف شده است و ساير تخلفات كارمندان دستگاههاي اجرايی و تعيين مجازات آنها طبق قانون رسيدگي به تخلفات اداري مصوب سال ۱۳۷۲ می‌باشد.» و از آنجايی كه اجرای اين حكم قانوني مستلزم رفع ابهاماتی است كه در اجرای قانون رسيدگي به تخلفات اداري بايد از قانون مديريت خدمات كشوري برداشت شود، بنابراین اقدام شورای توسعه مديريت و سرمايه انساني در تصويب مقرره مورد شكایت كه طی آن نسبت به رفع ابهام از واژگان «حقوق»، «گروه» و «حقوق مینا» مذکور در ماده ۹ قانون رسيدگي به تخلفات اداري و اعلام معادل آن در قانون مديريت خدمات كشوري، در راستای بند ۴ بخش ب ماده ۱۱۶ قانون مديريت خدمات كشوري است و اقدامی خارج از حدود اختيارات و صلاحيت قانوني تلقی نمی‌شود.

ثانياً: با توجه به اینکه در قانون نظام هماهنگ پرداخت، واژه «حقوق» كارکنان متشكل از حقوق مینا (حاصل ضرب ضريب حقوق در عدد مینا گروه) به علاوه ضريب افزايش سنواتی بوده است كه در قانون مديريت خدمات كشوري اين امر تحت عنوان حقوق ثابت (حق شغل، حق شاغل و فوق‌العاده مديريت) در مواد ۶۵ و ۶۶ پيش‌بینی شده است و عوامل مؤثر در تعيين حقوق كارکنان به موجب قانون نظام هماهنگ پرداخت شامل مقاطع تحصیلی، نوع و حساسيت شغل، اهميت وظايف، ميزان مسؤليت‌ها، در حقوق ثابت كارکنان در قانون مديريت خدمات كشوري كه در صدر ماده ۶۸ به آن اشاره شده است متجلی است، بنابراین در بند ۱ بخشنامه مورد اعتراض فوق‌العاده مديريت از مفهوم حقوق خارج شده است و اين حكم با قوانين ذكر شده مغايرت دارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشكيلات و آيين دادرسی ديوان عدالت اداري مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ثالثاً: جایگزین «حقوق مینا» در قانون مديريت خدمات كشوري همان «حقوق ثابت» (شامل حق شغل، حق شاغل و فوق‌العاده مديريت) می‌باشد و اینکه در بند ۳ بخشنامه مورد شكایت معادل آن صرفاً «حق شغل» در نظر گرفته شده است با قانون مغايرت دارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشكيلات و آيين دادرسی ديوان عدالت اداري مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومي ديوان عدالت اداري - محمد كاظم بهرامی

متعاقباً آقای سیامک برجویی به موجب لایحه‌ای كه به شماره ۹۷-۳۲۵-۴-۱۳۹۸/۱/۲۴ ثبت دفتر هیأت عمومي شده اعلام کرده است كه:

«رئیس كل محترم ديوان عدالت اداري

موضوع: پرونده شماره ۹۷۰۳۲۵ مطروحه در هیأت عمومي ديوان عدالت اداري تقاضای ابطال بخشنامه شماره ۱۵۱۲۸۴۴ - ۱۳۹۶/۸/۲۲ سازمان اداري و استخدامي

با سلام

احتراماً به استحضار می‌رساند با توجه به اینکه مصوبه مورد اعتراض علاوه بر اینکه خارج از اختيارات صادر گردیده، با مواد ۶۵، ۶۶ و ۶۸ قانون مديريت خدمات كشوري نیز مغايرت دارد و موجب تضییع حقوق كارکنان می‌گردد، خواهشمند است شكایت اینجانب از باب مغايرت مصوبه مورد اعتراض با قانون هم مورد رسيدگي قرار گیرد.»

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«بخشنامه به كليه دستگاههاي مشمول قانون رسيدگي به تخلفات اداري

با سلام و احترام

به استناد بندهاي «۴» و «۵» ردیف (ب) ماده «۱۱۶» قانون مديريت خدمات كشوري، نحوه اجراي مجازاتهاي موضوع بندهاي «ج»، «ز»، «ط» و «ح» ماده «۹» قانون رسيدگي به تخلفات اداري كه در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۸/۱ شورای توسعه مديريت و سرمايه انساني مطرح و به شرح ذیل اتخاذ تصميم گردیده است جهت اقدام لازم ابلاغ می‌گردد: ۱- در مورد مجازات موضوع بند «ج» ماده ۹ قانون رسيدگي به تخلفات اداري:

از آنجايی كه «حقوق» و «فوق‌العاده شغل» در قانون مديريت خدمات كشوري نیز با همين عناوين ذكر گردیده بنابراین ابهامی وجود نداشته و مینای عمل «حق شغل، حق شاغل و فوق‌العاده شغل» قرار گیرد.

۲- در مورد مجازات موضوع بندهاي «ز» و «ط» ماده ۹ قانون رسيدگي به تخلفات اداري:

به جای «گروه»، «طبقه شغلی» محاسبه شود.

۳- در مورد مجازات موضوع بند «ح» ماده ۹ قانون رسيدگي به تخلفات اداري:

مصوبه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲۷ شورای توسعه مديريت و سرمايه انساني به شرح زیر اصلاح گردید:

به جای «حقوق مینا»، «حق شغل» موضوع ماده (۶۵) قانون مديريت خدمات كشوري منظور شود.»

در پاسخ به شكایت مذکور، رئیس امور حقوقی و قوانين سازمان اداري و استخدامي كشور به موجب لایحه شماره ۱۱۹۳۰۲ - ۱۳۹۷/۳/۱۲ توضیح داده است كه:

«مدیر محترم دفتر هیأت عمومي ديوان عدالت اداري

موضوع: شكایت آقای سیامک برجویی

با سلام و احترام

بازگشت به شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۲۰۶ (شماره بایگانی ۴۷۸۰۵) - ۱۳۹۷/۲/۲۶ به استحضار می‌رساند: با امور مديريت مشاغل و نظامهاي پرداخت در خصوص دادخواست آقای سیامک برجویی مبنی بر ابطال بخشنامه شماره ۱۵۱۲۸۴۴ - ۱۳۹۶/۸/۲۲ اين سازمان (موضوع نحوه اجراي برخی از بندهاي ماده ۹ قانون رسيدگي به تخلفات اداري) هماهنگی به عمل آمده كه اين نتیجه حاصل شد:

با عنايت به اینکه قانون مذکور مصوب ۱۳۷۲/۹/۲۳ بوده است و بسیاری از قوانين و مقررات اداري كشور از زمان تصويب آن قانون تغيير کرده و به ویژه با اجراي قانون مديريت خدمات كشوري برخی از قوانين سابق منسوخ شده‌اند، لذا به تناسب گذشت زمان بعضی از عناوين و اصلاحات مورد استفاده در قانون رسيدگي به تخلفات اداري نیز معنای اوليه خود را از دست داده اند از جمله بندهاي «ج»، «ح»، «ز» و «ط» ماده ۹ كه برای تعيين حقوق اشخاص محكوم به مجازات بازخريدي به مفاهيم «حقوق مینا»، «حقوق و فوق‌العاده شغل» و «گروه» منطبق با قانون نظام هماهنگ پرداخت كارکنان دولت ارجاع داده است كه در قانون مديريت خدمات كشوري مابه‌ازايی ندارد و در عمل مجريان و ناظران را با ابهامات و مشكلاتی مواجه ساخته است. بر اين اساس قاعداً استعلامات متعددی در اين زمينه در سازمان متبوع به عنوان مرجع پاسخگویی به ابهامات اداري دستگاههاي اجرايی واصل شده است كه بخشنامه یاد شده توسط شورای توسعه مديريت و سرمايه انساني به استناد بندهاي ۴ و ۵ ردیف (ب) ماده ۱۱۶ قانون مديريت خدمات كشوري به منظور هماهنگی در اظهارنظر و پاسخگویی به استعلامات مزبور و ايجاد رويه‌های واحد اداري و استخدامي تصويب و ابلاغ شده است كه مفاد بخشنامه فوق‌الذكر به هيچ عنوان در مقام تعيين مجازاتهاي جایگزین و جديد يا تغيير قانون مصوب مجلس شورای اسلامي نبوده است. علاوه بر مطالب فوق نظر هیأت عمومي را به موارد زیر نیز معطوف می‌دارد:

۱- اساس استدلال شاکي اين امر است كه سازمان اداري و استخدامي كشور با استناد به بندهاي ۴ و ۵ ماده ۱۱۶ قانون مديريت خدمات كشوري - متن ماده ۹ قانون رسيدگي به تخلفات اداري را تغيير داده، مجازات جایگزین تعيين و قانونگذاری نموده است در صورتی كه با

شماره ۹۷۰۲۷۳۹

۱۳۹۸/۵/۲۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

يك نسخه از رأی هیأت عمومي ديوان عدالت اداري به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۰۹ مورخ ۱۳۹۸/۵/۸ با موضوع: «اعمال ماده ۹۱ قانون تشكيلات و آيين دادرسی ديوان عدالت اداري نسبت به رأی شماره ۱۳۱۲ - ۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومي ديوان عدالت اداري» جهت درج در روزنامه رسمی به پيوست ارسال می‌گردد.

مدیركل هیأت عمومي و هیأتهاي تخصصی ديوان عدالت اداري - مهدی دربین

استدعا داریم دستور مقتضی صادر فرمایید. درخواست اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی ۱۳۱۲ - ۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.»

۲- متن رأی شماره ۱۳۱۲ - ۱۳۹۷/۴/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح زیر است:

با توجه به اینکه اولاً: استخدام در دستگاه‌های اجرایی تابع شرایط عمومی و اختصاصی مذکور در قانون مدیریت خدمات کشوری است و برابر بند «ز» ماده ۴۲ قانون مذکور داشتن سلامت جسمانی و روانی و توانایی افراد برای انجام کاری که استخدام می‌شوند به موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت دولت می‌رسد موکول شده است و در ماده ۳ تصویب‌نامه شماره ۸۸۳۸۳/۴۴۱۷۸ - ۱۳۸۹/۴/۲۳ هیأت دولت به دستگاه‌های اجرایی این اختیار داده شده است تا صلاحیت و توانایی انجام کار داوطلبانی که برای آن استخدام می‌شوند را از طریق آزمون علمی، مصاحبه تخصصی و معاینات پزشکی احراز نمایند. ثانیاً: معیارهای توانایی جسمی و شرایط فیزیکی مناسب افراد برای تصدی هر شغل موضوعی تخصصی می‌باشد و در ارتباط با موضوع مورد بحث وزارت آموزش و پرورش به مرجع تخصصی صلاحیت دارد شرایط لازم برای توانایی انجام مشاغل آموزشی را از جمله داشتن قد مناسب جهت تدریس به دانش‌آموزان در دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تأیید صلاحیت‌های پزشکی آزمون استخدام پیمانی تعیین کرده است و در اطلاعیه استخدامی مربوطه نیز به سنجش توانایی افراد برابر ضوابط فوق اشاره شده است. ثالثاً: مصوبه مورد شکایت در مورد شرایط احراز شغل آموزشی است و با اصل ۲۸ قانون اساسی مبنی بر آزادی افراد مغایرتی ندارد و رابعاً: شورای نگهبان نیز آن را خلاف موازین شرع مقدس ندانسته است، بنابراین مقرر مورد شکایت از جهت اینکه در چهارچوب اختیار قانونی مرجع صدور بوده و مغایرتی نیز با قوانین و شرع ندارد، قابل ابطال تشخیص داده نشد.»

۳- رسیدگی به موضوع در اجرای ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه شرایط عمومی استخدام از جانب مقنن در ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری احصاء شده و شرط مذکور در مصوبه مشمول هیچ یک از شرایط مقرر نیست و چارچوب اختیارات دستگاه‌های اجرایی به تعیین شرایط اختصاصی مطابق ماده ۴۳ قانون پیش گفته مستلزم این امر است که در قوانین و مقررات سابق (قبل از وضع قانون مدیریت خدمات کشوری) این شروط وجود داشته و ملاک عمل بوده باشد، در صورتی که شرط معترض عنه فاقد سابقه تقنین است، بنابراین مستند به ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ضمن نقض رأی شماره ۱۳۱۲ - ۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در اجرای حکم مقرر در بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ حکم بر ابطال بند ۱ از قسمت اول لیست کامل بیماری‌هایی که ممنوعیت استخدام در آموزش و پرورش برای حرفه معلمی است صادر می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۱۹۰۵ - ۱۳۹۸/۵/۲۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۵/۸ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۸ شماره دادنامه: ۹۱۰ شماره پرونده: ۱۹۰۵/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی اسلام شهر

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۸ شماره دادنامه: ۹۰۹ شماره پرونده: ۲۷۳۹/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: ۲۲ نفر از قضات دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان

عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۱۳۱۲ - ۱۳۹۷/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

گردش کار: ۱ - بیست و دو نفر از قضات دیوان عدالت اداری به موجب لایحه‌ای که

به شماره ۱۳۱۲/۳۰/۱۵۱۰۳/۲۰۲ - ۱۳۹۷/۷/۳۰ ثبت دبیرخانه حوزه ریاست دیوان عدالت

اداری شده اعلام کرده‌اند که:

«حضرت حجت الاسلام والمسلمین بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند به اعتقاد اینجانبان (لااقل بیست نفر از قضات دیوان

عدالت اداری) دادنامه شماره ۱۳۱۲ - ۱۳۹۷/۵/۹ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت

اداری در پرونده کلاسه ۶۶۸/۹۶ که به موجب آن شکایت آقای آسو رحیمی به خواسته

ابطال بند یکم از قسمت یکم لیست کامل بیماری‌هایی که ممنوعیت استخدام در آموزش و

پرورش برای حرفه معلمی را دارند (موضوع دستورالعمل نحوه انجام معاینات و تأیید

صلاحیت‌های پزشکی آزمون استخدام پیمانی آموزش و پرورش) رد گردیده، به دلایل زیرین

اشتباه و مخالف قوانین است:

۱- شرایط عمومی استخدام از جانب مقنن در ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری

احصاء گردیده و شرط مذکور در مصوبه مشمول هیچ یک از شرایط مقرر نمی‌باشد و

چارچوب اختیارات دستگاه‌های اجرایی به تعیین شرایط اختصاصی مطابق ماده ۴۳ قانون

فوق‌الذکر، مستلزم این امر است که در قوانین و مقررات سابق (قبل از وضع قانون مدیریت

خدمات کشوری) این شروط وجود داشته و ملاک عمل بوده باشد در صورتی که شرط

معترض عنه فاقد سابقه موصوف می‌باشد.

۲- ضوابط مقرر در بند ز ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری ضابطه «شخصی»

است و می‌بایست مبتنی بر وضعیت هر یک از اشخاص ملاک تشخیص قرار گیرد

در حالی که در مصوبه مورد اعتراض این ضوابط صرف نظر از شایستگی افراد «نوعی»

تلقی شده و طیفی از داوطلبان محروم گردیده‌اند.

۳- منع اشتغال به کار معین وفق بند پ ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات

تبعی محسوب می‌شود که برابر تبصره ۱ ماده ۱۹ قانون ذکر شده از مصادیق محرومیت از

حقوق اجتماعی است. بنابراین سلب این حق متوقف بر تصریح قانونگذار است.

۴- کوتاهی یا بلندی قد افراد بیماری محسوب نمی‌گردد تا مشمول مصوبه بر آن

واجد دلایل موجه باشد و آنچه که موجب محرومیت معلولین در مقررات گردیده است با

مقررات حمایتی قانونگذار جبران می‌گردد، لیکن افراد محروم شده نه بیمار هستند نه

معلول تا امکان جبران محرومیت فراهم گردد.

۵ - برخوردار از حقوق مقرر در قانون اساسی به شرح اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۸ و

بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی برای همه مفروض و مسلم است و در استیفاء آن نیازی

به اقامه دلیل نمی‌باشد بلکه محدودیت و محرومیت از این حقوق مستلزم صلاحیت

اختیار و تصریح قانونی است که در مانحن فیه این امر اثبات نگردیده است.

۶ - مغایرت مقرر مورد شکایت با قاعده «قیح عقاب بلائین» با این وصف که شرط

داشتن قد معین در شرایط عمومی و اختصاصی آگهی استخدام درج نگردیده تا داوطلب

آزمون ابتدائاً با علم و اطلاع از همه شرایط لازم وارد فرآیند آزمون شود به طوری که در

مانحن فیه شاکی با اطلاع و انطباق شرایط عمومی و اختصاصی آزمون با خصایص خویش

وارد فرآیند آزمون گردیده اما پس از طی مراحل از جمله قبولی در آزمون علمی، در

مراحل نهایی مواجه با مقرر جدیدی گردیده که داشتن قد معین را شرط استخدام

دانسته است. چنان که اگر این شرط از همان ابتدا ذکر می‌شد، شاکی متحمل زحمات و

هزینه‌های سپری نمودن مراحل قبلی آزمون نمی‌گردید.

۷- اگر معیار قد برای تدریس دروسی علی‌الخصوص غیر تربیت بدنی امری تخصصی

است که تشخیص آن در اختیار وزارت آموزش و پرورش است، چرا در فاصله کوتاهی

پس از وضع مصوبه مورد شکایت، به موجب بخشنامه ۹۵/م/۱۸۰/۳۸۰۸۸ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۸

رئیس مرکز برنامه‌ریزی، منابع انسانی و فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش برای

تسهیل جذب مستخدم معیار قد کاهش یافته است. به عبارت دیگر اگر وجود قد لازم

جهت احراز شغل معلمی در مصوبه مورد شکایت مبتنی بر مصالح کارشناسی شده است،

پس چگونه و با این سرعت مصلحت یاد شده تغییر یافته است؟

بنابراین به استناد ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

مصوب ۱۳۹۲ نظر به طرح رأی موصوف در هیأت عمومی برای رسیدگی مجدد داشته و

مابه‌التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به بعد به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۳۰۲۴ - ۱۳۹۲/۱۲/۱۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی مذکور نظر به اینکه طبق تصویب‌نامه شماره ۹۲۰۹۹۷/۱۲/۱۳ - ۲۰۰۰/۹۲/۱۴۹۹ هیأت امنا سازمان تأمین اجتماعی ضرایب ریالی سال ۱۳۸۸ از ۵۰۰ به ۵۵۰ و سال ۱۳۸۹ از ۵۰۰ به ۵۸۳ و ۶۳۶ و سال ۱۳۹۰ از ۵۵۰ و ۶۴۱/۳ به ۷۰۰ و سال ۱۳۹۱ از ۷۳۷/۵ به ۸۰۵ برای امتیازات مندرج در احکام کارگزینی کارکنان اصلاح گردیده است و با عنایت به اینکه تعلق حق اشعه به موجب قانون حفاظت در برابر اشعه تجویز گردیده و بعد از اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری حق اشعه به شرح بند ۳ ماده ۶۸ از قانون اخیرالذکر تجویز و برقرار گردیده است و با این اوصاف آیین‌نامه استخدامی سازمان نافی حق قانونی کارکنان مشمول حق اشعه نخواهد شد و حتی ابطال آیین‌نامه در سال ۱۳۸۶ دلیل اعمال آن از تاریخ صدور رأی هیأت عمومی دیوان نخواهد بود چرا که قبل از ابطال آیین‌نامه نیز شعب دیوان حکم بر ورود صادر می‌نمودند و توجهاً به اینکه به مستنبت از ماده ۶۵ قانون مدیریت خدمات کشوری رتبه از اقدام مستمر بوده و ضرورت دارد که رتبه در حق اشعه نیز منظور گردد علیهذا با این اوصاف شکایت شاکی را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم بر الزام مشتکی عنهما به اعمال ضرایب ریالی افزایش سالیانه به شرح مصوبه فوق‌الذکر در حق اشعه از سال ۱۳۸۶ تا پایان ۱۳۸۷ به موجب قانون حفاظت در برابر اشعه و بعد از ۱۳۸۸/۱/۱ به شرح بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت مابه‌التفاوت آن و همچنین اعمال رتبه در فرمول محاسباتی حق اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوق و پرداخت مابه‌التفاوت آن صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۰۴۴۰ - ۱۳۹۳/۸/۲۶ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

در رابطه با قسمت اول دادنامه تجدیدنظرخواسته مبنی بر الزام طرف شکایت به اعمال ضرایب ریالی افزایش سالیانه در پرداخت حق اشعه از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۷ براساس قانون حفاظت در برابر اشعه ایراد مؤثر از سوی تجدیدنظرخواه به طوری که اساس رأی معترض‌عنه را مخدوش نماید ابراز نشده و در رسیدگی به پرونده و صدور رأی اقدام مغایر موازین قانونی که موجبات فسخ رأی بدوی را فراهم آورد مشهود نیست، لذا به استناد ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ضمن رد تجدیدنظرخواهی، دادنامه تجدیدنظرخواسته در این قسمت تأیید می‌گردد اما در قسمت دوم اعمال رتبه و بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ نظر بر اینکه به موجب ماده ۱۱۷ همان قانون نهادهای عمومی غیر دولتی از جمله سازمان تأمین اجتماعی از شمول قانون خارج است لذا دادنامه در این قسمت نقض و حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

هـ: شعبه ۴ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۳۰۰۱ با موضوع دادخواست آقای رمضان خواستان به طرفیت مدیریت درمان سازمان تأمین اجتماعی استان مازندران و به خواسته الزام طرف شکایت به محاسبه رتبه در پرداخت حق اشعه و پرداخت مابه‌التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۱۶۳۸ - ۱۳۹۴/۷/۱۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با بررسی مندرجات اوراق پرونده و مراتب مذکور در گردش کار و با ملاحظه مستندات طرفین شکایت، صرف نظر از اینکه با لازم‌الاجرا شدن قانون مدیریت خدمات کشوری از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ به استناد ماده ۱۲۷ آن قانون کلیه قوانین و مقررات عام و خاص مغایر از جمله قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ لغو گردیده است. نظر به اینکه بر اساس دادنامه شماره ۶۸ - ۱۴۶۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری فوق‌العاده کار با اشعه به استناد بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه تا پنجاه درصد حقوق و مزایای مستمر مشمول کسور بازنشستگی قابل پرداخت بوده و به استناد ماده ۳۳ و تبصره‌های یک تا چهار آن از آیین‌نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۶ حقوق و مزایای مستمر می‌باشد و در پرداخت فوق‌العاده کار با اشعه قابل احتساب نمی‌باشد. بنا به مراتب الزام قانون بر اجابت خواسته وجود ندارد شکایت غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدید نظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعی یافت.

ب: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۲۹۹۶ با موضوع دادخواست آقای بهروز محمدنژاد به طرفیت مدیریت درمان تأمین اجتماعی مازندران و به خواسته الزام خوانده به محاسبه امتیاز رتبه از پرداخت حق اشعه و پرداخت مابه‌التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۰۳۰۱۶۵۳ - ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه مطابق آیین‌نامه خاص سازمان تأمین اجتماعی به شرح تبصره ۴ ماده ۳۳ مزایای مربوط به رتبه جزء مزایای مستمر تعریف نشده است و از طرفی بر اساس مفاد بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه و رأی شماره ۱۱۲ - ۱۳۸۵/۲/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مزایای مستمر قابل لحاظ در تعیین میزان و فوق‌العاده کار با اشعه می‌باشد، بنابراین خواسته شاکی مبنی بر لحاظ امتیاز رتبه در فوق‌العاده کار با اشعه فاقد جواز قانونی است و در نتیجه رأی به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدید نظر دیوان عدالت اداری است.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۱۶۹۹ - ۱۳۹۵/۶/۱۰ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

تجدید نظر خوانده به تناسب شغل مورد تصدی از فوق‌العاده کار با اشعه موضوع بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ (تا ۵۰٪ حقوق و مزایا) بهره‌مند گردیده ولی در پرداخت آن امتیاز رتبه را اعمال ننموده‌اند تقاضای محاسبه امتیاز فوق در پرداخت حق اشعه را نموده که منجر به صدور دادنامه بدوی مبنی بر رد شکایت گردیده است علیهذا نظر بر اینکه امتیاز رتبه مثل حق سنوات یکی از ملاکهای پرداخت حقوق و مزایا بوده و مقایسه آن با فوق‌العاده‌های غیر مستمر مثل اضافه کاری به استناد آیین‌نامه توجیه قانونی ندارد و لذا به استناد مواد ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته به شماره ۱۶۵۳ - ۱۳۹۳/۸/۱۷ حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

ج: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۴۹۴۱ با موضوع دادخواست آقای هوشنگ جوادیان به طرفیت صندوق تأمین اجتماعی کشوری - مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان آذربایجان شرقی و به خواسته اعمال رتبه در فرمول محاسباتی حق اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوق و پرداخت مابه‌التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به بعد به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۲۴ - ۱۳۹۲/۱۲/۱۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی مذکور نظر به اینکه طبق تصویب‌نامه شماره ۲۰۰۰/۹۲/۱۴۹۹ - ۱۳۹۲/۵/۲۶ هیأت امنا سازمان تأمین اجتماعی ضرایب ریالی سال ۱۳۸۸ از ۵۰۰ و ۵۵۰ به ۶۰۰ و سال ۱۳۸۹ از ۵۰۰ به ۵۸۳ و ۶۳۶ و سال ۱۳۹۰ از ۵۵۰ و ۶۴۱/۳ به ۷۰۰ و سال ۱۳۹۱ از ۷۳۷/۵ به ۸۰۵ برای امتیازات مندرج در احکام کارگزینی کارکنان اصلاح گردیده است و با عنایت به اینکه تعلق حق اشعه به موجب قانون حفاظت در برابر اشعه تجویز گردیده و بعد از اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری حق اشعه به شرح بند ۳ ماده ۶۸ از قانون اخیرالذکر تجویز و برقرار گردیده است و با این اوصاف آیین‌نامه استخدامی سازمان نافی حق قانونی کارکنان مشمول حق اشعه نخواهد شد و حتی ابطال آیین‌نامه در سال ۱۳۸۶ دلیل اعمال آن از تاریخ صدور رأی هیأت عمومی دیوان نخواهد بود چرا که قبل از ابطال آیین‌نامه نیز شعب دیوان حکم بر ورود صادر می‌نمودند و توجهاً به اینکه به مستنبت از ماده ۶۵ قانون مدیریت خدمات کشوری رتبه از اقدام مستمر بوده و ضرورت دارد که رتبه در حق اشعه نیز منظور گردد علیهذا با این اوصاف شکایت شاکی را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم بر الزام مشتکی عنهما به اعمال ضرایب ریالی افزایش سالیانه به شرح مصوبه فوق‌الذکر در حق اشعه از سال ۱۳۸۶ تا پایان ۱۳۸۷ به موجب قانون حفاظت در برابر اشعه و بعد از ۱۳۸۸/۱/۱ به شرح بند ۳ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت مابه‌التفاوت آن و همچنین اعمال رتبه در فرمول محاسباتی حق اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوق و پرداخت مابه‌التفاوت آن صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۱۰۳۱ - ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

د: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۴۹۴۹ با موضوع دادخواست آقای علی طریقت‌نیا به طرفیت صندوق تأمین اجتماعی کشوری - مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان آذربایجان شرقی و به خواسته اعمال رتبه در فرمول محاسباتی حق اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوق و پرداخت

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - در بند ۴ ماده ۲۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۰ به طور مطلق به پرداخت تا پنجاه درصد «حقوق و مزایا» به عنوان فوق العاده کار با اشعه اشاره شده است و نه «مزایای مستمر» و بر اساس ماده ۳۳ آیین نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ رتبه حقوقی یکی از عوامل تشکیل دهنده «حقوق و مزایای» کارکنان سازمان می باشد. گرچه در تبصره ۴ ماده ۳۳ آیین نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی «رتبه» حقوقی از جمله حقوق و مزایای مستمر محسوب نشده است ولیکن با توجه به قرائن قانونی و رویه عملی سازمان «رتبه» یکی از عوامل اصلی تشکیل دهنده حقوق است که به طور مستمر پرداخت می شود و مشمول کسور بازنشستگی است و شاهد آن ماده ۴۴ آیین نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی و بندهای ۲ بخشنامه شماره ۴۱۵۸/۱۱/۲۰۰۰ - ۱۳۹۱/۱۲/۷ و بخشنامه شماره ۱۸۷۲/۹۲/۲۰۰۰ - ۱۳۹۲/۶/۲۱ - سازمان تأمین اجتماعی است که «رتبه» را از فوق العاده های مستمر قابل احتساب در پاداش پایان خدمت برشمرده است. معاونت اداری مالی سازمان تأمین اجتماعی نیز به موجب بخشنامه شماره ۲۰۵۳ - ۱۳۸۸/۱۰/۲۳ به مدیریت درمان استانها اعلام کرده است مبنای محاسبه فوق العاده کار با اشعه از تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ مجموع امتیاز شغلی، سرپرستی و رتبه ضرب در ضریب ربالی تعیین و پرداخت می گردد. از طرفی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۱۴۶۶ تا ۱۴۶۸ - ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ و رأی شماره ۳۲۹ - ۱۳۹۱/۶/۲، تصویب نامه شماره ۱۸۱۶/ت/۱۹۹۹۶۹هـ - ۱۳۷۸/۳/۱۷ هیأت وزیران و نامه شماره ۸۲/۵۴/۱۰/۲۰۰ - ۱۳۸۸/۶/۲۸ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور را که ملاک پرداخت حق اشعه به جای «حقوق و مزایا»، «حقوق و فوق العاده شغل» تعیین کرده بود ابطال کرده است. بنا بر مراتب آراء صادر شده بر وارد دانستن شکایت به شرح مندرج در گردش کار که بر الزام به اعمال رتبه در فرمول محاسباتی حق اشعه به عنوان یکی از بندهای حقوقی و پرداخت مابه التفاوت آن از سال ۱۳۸۶ به بعد صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۲۹۳۶

۱۳۹۸/۵/۲۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۱۲ مورخ ۱۳۹۸/۵/۸ با موضوع: «ابطال ماده ۵ آیین نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش آموختگان برتر دانشگاهی مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۸ شماره دادنامه: ۹۱۲ شماره پرونده: ۲۹۳۶/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکتی: خانم سمیه علی دوست لمر

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۵ آیین نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش آموختگان

برتر دانشگاهی مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰

گردش کار: خانم سمیه علی دوست لمر به موجب شکایت نامه ای ابطال ماده ۵

آیین نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش آموختگان برتر دانشگاهی مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

با احترام، اینجانب سمیه علی دوست لمر متقاضی استفاده از مزایای آیین نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر موضوع تصویب نامه شماره ۲۴۷۲۸۵/ت/۴۷۰۵هـ - ۱۳۹۰/۱۲/۱۵ هیأت وزیران به استحضار می رساند: بنیاد ملی نخبگان طی آیین نامه

داخلی خود و در طی ماده ۵ این آیین نامه دانش آموختگان مؤسسه های علمی داخل کشور را ملزم به معرفی خویش به بنیاد ملی مذکور تا طی ۳ سال پس از تاریخ رسمی دانش آموختگی نموده است تا از مزایای آیین نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر مصوب هیأت وزیران استفاده نمایند که به نظر می رسد این موضوع مغایر با مصوبه هیأت دولت بوده و خارج از حدود اختیارات بنیاد ملی نخبگان می باشد. حالیه با توجه به این موضوع که در آیین نامه ابلاغی هیأت دولت هیچ گونه مهلت زمانی تعیین نگردیده است، چرا بنیاد ملی نخبگان مهلت زمانی ۳ سال را برای افراد مشمول تعیین نموده است؟ لذا امکان بهره برداری از آیین نامه مصوب هیأت دولت برای افرادی از قبیل بنده که در زمان فارغ التحصیلی و استخدام، مشمول این موضوع بودم سلب گردیده است و در بررسیها و پیگیریهای صورت گرفته از سوی اینجانب برای احقاق حق خویش، صرفاً با این استدلال مواجه گردیدم که از مدت فارغ التحصیلی شما ۳ سال گذشته است!

علی ایحال با توجه به ماده یک آیین نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر در دستگاه های اجرایی که در طی آن احراز نخبگی و استعداد برتر بودن افراد به بنیاد ملی نخبگان محول گردیده است، خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به ابطال ماده ۵ آیین نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش آموختگان برتر دانشگاهی مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ که مهلت زمانی را تعیین نموده است، اقدام لازم معمول گردد.

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«آیین نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش آموختگان برتر دانشگاهی

مقدمه:

در اجرای بند ۱ ماده ۳ از اساسنامه بنیاد ملی نخبگان و به منظور اجرای اقدام های ملی ۱-۱، ۱-۲، ۱-۳، ۱-۴، ۱-۵، ۱-۶، ۱-۷، ۱-۸، ۱-۹، ۱-۱۰، ۱-۱۱، ۱-۱۲، ۱-۱۳، ۱-۱۴، ۱-۱۵، ۱-۱۶، ۱-۱۷، ۱-۱۸، ۱-۱۹، ۱-۲۰ از سند راهبردی کشور در امور نخبگان، آیین نامه «شناسایی و پشتیبانی از دانش آموختگان برتر دانشگاهی» به شرح زیر تصویب می شود:

ماده ۵: دانش آموختگان مؤسسه های علمی داخل کشور حداکثر ظرف مدت سه سال و دانش آموختگان مؤسسه های علمی خارج از کشور، حداکثر ظرف مدت شش سال از تاریخ رسمی دانش آموختگی مجازند از مزایای این آیین نامه بهره مند شوند.

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون توسعه و مدیریت منابع بنیاد ملی نخبگان (ریاست جمهوری) به موجب لایحه شماره ۱۵۳۰۸۳ - ۱۳۹۷/۱۱/۳ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً در خصوص شکایت خانم سمیه علی دوست لمر علیه بنیاد ملی نخبگان به خواسته ابطال ماده ۵ آیین نامه «شناسایی و پشتیبانی از دانش آموختگان برتر دانشگاهی» مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ (به شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۹۰۴) به استحضار می رساند، با عنایت به صلاحیت بنیاد ملی نخبگان در تصویب مقررات مورد نیاز نظام نخبگی (من جمله آیین نامه فوق الاشعار) هیچ گونه مغایرتی میان آیین نامه موصوف با مصوبه هیأت وزیران وجود ندارد. دلایل بنیاد ملی نخبگان در رد ادعای خواهان عبارت است از:

۱- مطابق بند ۱ ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی و تشکیلات دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ مجلس شورای اسلامی شرط ورود هیأت عمومی دیوان اعلام تعارض مقرر دولتی با قانون (یعنی مصوبات مجلس شورای اسلامی) است و از آنجا که در شکایت مطروحه خواهان اعلام مغایرت مصوبه بنیاد ملی نخبگان با مصوبه هیأت وزیران را نموده اند، لذا ورود هیأت عمومی به علت عدم مغایرت با یک قانون منتفی است.

۲- به موجب ماده ۲ آیین نامه «جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر در دستگاه های اجرایی» مصوب سال ۱۳۹۰ هیأت وزیران کارمندی که قبل از ابلاغ آیین نامه نخبه یا استعداد برتر بوده اند یا در حین خدمت، نخبه و استعداد برتر شناخته می شوند، به شرطی مشمول مزایای مقرر هستند که نخبگی آنها توسط بنیاد ملی نخبگان احراز شود، به موجب نامه های شماره ۴۷۰۵۰/۱۴۱۱۸۰ و ۴۷۰۵۰/۴۸۰۳۳ - ۱۳۹۲/۴/۳۱ دبیر هیأت دولت در مورد نخبگی آن دسته از کارمندی که «قبل از ابلاغ این آیین نامه نخبه یا استعداد برتر بوده اند» نیز تشخیص بنیاد ملی نخبگان می بایست لحاظ شود. بنابراین همان طور که مشاهده می شود برخورداری از مزایای مقرر در آیین نامه مزبور چه مطابق ماده ۱ و چه ماده ۲ در هر حال نیازمند بررسی و تشخیص بنیاد ملی نخبگان است.

۳- بنیاد ملی نخبگان مستند به بند ۱ ماده ۳ اساسنامه خود مصوب پانصد و شصتمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۰ و نیز اقدام ملی ۱-۱ (بازنگری و بازتعریف ضوابط و مقررات مربوط به فرآیندهای شناسایی، جذب و پشتیبانی از اجتماع نخبگانی در دستگاه های مسئول با تأکید بر رصد فعالیت نخبگانی) و به ویژه اقدام ملی ۱-۲ (تصویب شاخص ها، استانداردها، ضوابط و مقررات لازم برای نظام نخبگانی در سطوح و حوزه های مختلف و نظارت مستمر بر حسن اجرای آن توسط بنیاد ملی نخبگان)

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۹۵/۵۷۰۹/۳ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۲

شورای اسلامی شهر گرگان

گردش کار: آقای احمد چراغعلی به نمایندگی از شاکیان به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال مصوبه شماره ۹۵/۵۷۰۹/۳ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۲ شورای اسلامی شهر گرگان در سال ۱۳۹۶ در خصوص اخذ عوارض تأمین سرانه‌های خدمات عمومی شهر و تبدیل کاربریهای عمومی به اختصاصی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و تقدیم احترام

احتراماً به استحضار مقام عالی می‌رساند از آنجا که مصوبات غیر قانونی و اقدامات صورت گرفته توسط شورای شهر و شهرداری گرگان مشابه اقدامات قبلی است که توسط آراء متعدد و مکرر در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری باطل شده است. از جمله رأی شماره دادنامه ۵۶۳ - ۱۳۹۰/۱۲/۸ کلاسه پرونده ۶۹۰/۸۸ و سایر آرای مشابه به شرح مستندات اعلامی که در ذیل دادخواست اعلام می‌شود برخلاف نص سریع قانون که مقرر شده است «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی آنها الزامی است. و هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت، بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.» خواستار صدور دستور رسیدگی در هیأت عمومی به استناد ماده ۹۲ و ۹۳ دیوان عدالت و خواستار اعمال قانون با عوامل اجرایی در شهرداری و شورای شهر گرگان که تعمداً از اجرای مفاد قانونی و مصوبات هیأت عمومی دیوان خودداری می‌کنند هستیم. لذا خواهشمند است دستور فرمایید رسیدگی و تصمیم مقتضی و صلاحدید اتخاذ فرمایند.»

متن لایحه تکمیلی به قرار زیر است:

«موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۹۵/۵۷۰۹/۳ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۲

شورای اسلامی شهر گرگان در خصوص اخذ عوارض تأمین سرانه‌های خدمات عمومی شهر و تبدیل کاربریهای عمومی به اختصاصی برای سال ۱۳۹۶ - ۲ در خواست اعمال قانون و اجرای ماده ۹۲ و ۹۳ قانون دیوان عدالت اداری و جبران خسارت وارده به شاکیان ناشی از عدم رعایت مصوبات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ۳- رعایت حقوق مالکانه شاکیان در تعریض و گسترش مسیرهای ارتباطی (توسعه گذر ۳۰ و یا ۱۰ متری) و خودداری از تصرف غیر قانونی املاک شاکیان و تحویل زمین معوض و اجرای طرح فضای سبز (در مهلت قانونی) و پرداخت مبلغ قانونی بر اساس قیمت کارشناسی و یا صدور پروانه احداث بنا بر اساس پروانه‌های ساختمانی صادر شده در املاک مجاور و رعایت ضوابط قانونی در تملک زمین مورد نیاز و مصوبات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح مستندات قانونی دادخواست تقدیمی

احتراماً اینجانب احمد چراغعلی به دلالت سند مالکیت، پلاک ثبتی ۱۲/۱۴۳۰۸ -

اصلی بخش ۴ ثبت گرگان به مساحت عرصه ۲۵۰ مترمربع مالک عرصه مذکور هستیم. (اسناد مالکیت سایر شاکیان به شرح ذیل پیوست می‌باشد. ۱- جمشید کیانی پلاک ثبتی ۱۲/۱۱۶۲۵ - اصلی بخش ۴ ثبت گرگان به مساحت عرصه ۲۵۰ مترمربع ۲- محمدحسین چراغعلی پلاک ثبتی ۱۲/۱۴۲۴۷ - اصلی بخش ۴ ثبت گرگان به مساحت عرصه ۳۹۰ مترمربع ۳- حمیدرضا پزشک‌پور پلاک ثبتی ۱۲/۶۰۳۳ - اصلی بخش ۴ ثبت گرگان به مساحت عرصه ۲۵۰ مترمربع ۴- شکرالله علاءالدین پلاک ثبتی ۹۳۵۱۸۳۱۲ ثبت گرگان به مساحت عرصه ۲۵۰ مترمربع ۵ - علی‌اکبر آق‌بابائی پلاک ثبتی ۱۲/۵۷۲۰ - اصلی بخش ۴ ثبت گرگان به مساحت عرصه ۲۵۰ مترمربع ۶ - مریم حاجی صادقی پلاک ثبتی ۱۲/۱۴۲۱۸ - اصلی بخش ۴ ثبت گرگان به مساحت عرصه ۲۵۳ مترمربع ۷- مریم خدادادی تصویر سند مالکیت ارائه نموده است ۸ - محمدیوسف صالحی پلاک ثبتی ۱۲/۸۹۹۹ - اصلی بخش ۴ ثبت گرگان به مساحت عرصه ۲۵۰ مترمربع که به پیوست می‌باشد) املاک شاکیان برابر طرح تفصیلی سال ۱۳۷۹ خارج از محدوده و برابر طرح جامع شهر گرگان در سال ۱۳۹۲ در طرح تفصیلی با کاربری فضای سبز لحاظ شده است. از آنجا که متولی فضای سبز شهری شهرداری است، از سال ۱۳۹۲ شاکیان کلاً برای اقدام به خرید زمین توسط شهرداری و اجرای طرح فضای سبز و یا پرداخت زمین معوض و یا صدور پروانه ساختمانی بر اساس تراکم همجوار و یا هر اقدام مقتضی و قانونی دیگر و تعیین تکلیف و رعایت حقوق مالکانه خود بارها به شهرداری گرگان مراجعه نموده مع‌الوصف شهرداری پاسخ قانع‌کننده‌ای نداده است. تا اینکه بعد از مکاتبات و پیگیری‌های مکرر ابتدا در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۰ بعد از موافقت و مصوب نمودن در کمیته فنی شهرداری برای تغییر کاربری ملک و طرح پرونده در کمیسیون ماده ۵ مبالغ هنگفتی (۶۳ میلیون تومان به عنوان حبه و با شیوه صدور چک حامل و بدون تاریخ از متقاضیان را طلب نموده‌اند)

از سند راهبردی کشور در امور نخبگان (سند عالی و بالادستی کشور در امور نخبگان به عنوان آخرین اراده واضح) اقدام به تهیه و تدوین و تصویب مقررات مورد نیاز نظام نخبگانی نموده است و در همین راستا بنیاد ملی نخبگان اقدام به تصویب «آیین‌نامه شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی» مصوب ۱۳۹۴/۲/۳۰ کرده است.

۴- شایان ذکر است ماده ۲ آیین‌نامه «جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر در دستگاه‌های اجرایی» مصوب ۱۳۹۰ هیأت وزیران، به طور کلی تأیید مراتب نخبگی را جهت دریافت تسهیلات جذب و فوق‌العاده نخبگی بر عهده بنیاد ملی نخبگان قرار داده است. اما شرایطی را برای احراز شرایط متقاضیان مقرر نکرده است که براساس آن بنیاد، نخبگی متقاضیان را احراز کند و با توجه به سکوت مصوبه هیأت وزیران در این زمینه بدیهی است که موضوع به مقررات بنیاد ملی نخبگان به عنوان مرجع رسمی و حاکمیتی امور نخبگان در کشور احاله داده شده است و با عنایت به تکلیف بنیاد ملی نخبگان در تصویب مقررات لازم (اقدام ملی ۱-۲-۴ سند راهبردی کشور در امور نخبگان) بنیاد اقدام به تصویب آیین‌نامه «شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی» نموده است. بنابراین این آیین‌نامه و به تبع، ماده ۵ آن (شرط عدم گذشت سه سال از تاریخ فارغ‌التحصیلی برای دانش‌آموختگان مؤسسه‌های علمی داخل کشور) هیچگونه تراحم و مغایرتی با مصوبه موصوف هیأت وزیران ندارد.

۵ - صلاحیت بنیاد ملی نخبگان در آراء متعدد صادره از شعب دیوان عدالت اداری و نیز رأی شماره ۱۰۵ هیأت تخصصی دیوان درباره احراز نخبگی برای برخورداری از فوق‌العاده نخبگی به صراحت مورد تأکید قرار گرفته و جملگی مشعر بر جایگاه انحصاری این بنیاد در تشخیص نخبگی افراد حائز شرایط جهت برخورداری از فوق‌العاده نخبگی هستند.

با عنایت به اینکه بنیاد ملی نخبگان در تصویب آیین‌نامه «شناسایی و پشتیبانی از دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی» هیچ‌گونه خروج یا تخلفی از صلاحیت خود نداشته است و این آیین‌نامه با هیچ یک از قوانین و اسناد بالادستی تعارض و مغایرت ندارد، لذا مبرهن است که بنیاد ملی نخبگان در این زمینه کاملاً در چارچوب صلاحیت منصوص خود اقدام نموده است. علی‌ا حال بنیاد ملی نخبگان بنا به مراتب فوق از آن مرجع تقاضای رد شکایت خواهان را دارد. - معاون توسعه و مدیریت منابع»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه در مصوبه شماره ۲۴۷۲۸۵/ت/۴۷۰۵۰ هـ - ۱۳۹۰/۱۲/۱۵ هیأت وزیران و نیز اساسنامه بنیاد ملی نخبگان مصوب جلسه ۵۶۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۰ و آیین‌نامه و ضوابط بنیاد ملی نخبگان مصوب ۱۳۹۱/۷/۱۱ شورای معین شورای عالی انقلاب فرهنگی، محدودیت زمانی برای بهره‌مندی از مزایای نخبگی لحاظ نشده است و از طرفی با توجه به اینکه بر اثر مصوبات فوق‌الذکر برای افراد مشمول ایجاد حق شده است که اسقاط آن با قید مرور زمان نیاز به اذن قانونگذار یا مرجع اصلی تصویب دارد، تصویب ماده ۵ آیین‌نامه مورد اعتراض به جهت خارج بودن از حدود اختیار مرجع مصوب آن مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۱۸۸۴

۱۳۹۸/۵/۲۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۵/۵۷۰۹/۳ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۲ مورخ ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۱۳ با موضوع: «ابطال مصوبه شماره ۹۵/۵۷۰۹/۳ شورای اسلامی شهر گرگان» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۸ شماره دادنامه: ۹۱۳ شماره پرونده: ۱۸۸۴/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکئی: آقایان: ۱- احمد چراغعلی ۲- جمشید کیانی ۳- محمدحسین چراغعلی

۴- حمیدرضا پزشک‌پور ۵- شکرالله علاءالدین ۶- علی‌اکبر آق‌بابائی ۷- محمدیوسف صالحی

و خانم‌ها: ۸- مریم حاجی صادقی ۹- مریم خدادادی

چهارم) مطابق ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک مصوب ۱۳۶۷ و تبصره یک اصلاحی مصوب سال ۱۳۸۰ چنانچه دستگاه متولی و مجری طرح در مدت زمان مقرر قانونی به خرید و یا توافق با مالک و یا اجرای طرح (فضای سبز) اقدام نکند، مالک از تمام حقوق مالکانه مانند تجدید بنا، اخذ پروانه و غیره بنا به حکم بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداریها برخوردار است و در همین خصوص رأی ۲۳۸/۸۷ - ۱۳۸۷/۴/۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صادر و ابلاغ شده است که دلالت بر احترام به حقوق مالک دارد متأسفانه شورای اسلامی شهر گرگان آگاهانه با تصویب مصوبه مورد اعتراض دامنه قانون و روح آن را که در جهت حمایت حقوق مالکانه است مورد تهدید و آسیب قرار داده است حال اینکه شوراهای اسلامی شهر اختیار قانونی برای سلب حقوق مردم را ندارند.

پنجم) قطع نظر از تمام موارد فوق قانونگذار در مواقعی که دستگاهها و موسسات دولتی و عمومی نیاز به اراضی و املاک مردم داشته باشند مبانی و مجاری خاص را تدوین و تصویب کرده است که از جمله قانون نحوه تملک مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب و قانون نحوه تقویم ابنیه و املاک مورد نیاز شهرداریها و ماده واحده مصوب ۱۳۶۷ تبصره یک اصلاحی مصوب سال ۱۳۸۰ از این دسته مقررات است و مصوبه شورای شهر گرگان خلاف نص صریح این قوانین است. اگر هدف شهرداری اجرای طرح فضای سبز می‌باشد چرا نسبت به خرید زمینهای دارای سند مالکیت و یا واگذاری زمین معوض و تملک و اجرای طرح فضای سبز در موعد قانونی اقدامی نمی‌کند آشکار است شورای شهر گرگان شهرداری گرگان برای کسب منفعت و درآمدزایی بیشتر با تصویب قوانینی مشابه قوانین باطل شده قبلی که دیوان سابقاً به موجب دادنامه میحوث عنه حکم بر ابطال آنها را صادر نموده است و مصداق بارز پاک کردن صورت مساله و عدم رعایت مصوبات قانونی مجمع عمومی دیوان است با تصویب مصوبات شبه قانونی و با تغییر الفاظ برای مالکین ایجاد مزاحمت کرده است و قصد درگیر کردن مردم با راهروهای اداری و اخذ مبالغ مالی هنگفت از مالکین دارد. به همین دلیل با کسب درآمد زایی بخش عظیمی از اراضی دارای سند مالکیت تفکیکی مالکین را به عنوان عرصه فضای سبز عمومی معرفی کرده است و در تعیین تکلیف قانونی آن اراضی، خرید و یا دادن زمین معوض و تملک و اجرای طرح فضای سبز و یا صدور پروانه ساختمانی تعمداً کوتاهی می‌کند این در حالی است که شهرداری بر اساس وظایف قانونی خود موظف به ارائه خدمات شهری به اراضی است که بر اثر پیشروی شهر و بر اساس طرح جامع توسعه شهری وارد محدوده خدمات شهری و شهرداری شده‌اند می‌باشد رأی شماره ۴۹۲ - ۱۳۸۹/۱۱/۴ هیأت عمومی.

ششم) علی‌الاصول هرگونه افزایش و تفکیک املاک مطابق مواد ۱۵۴ اصلاحی قانون ثبت و ماده ۱۰۱ قانون شهرداری از وظایف و حدود صلاحیت اداره ثبت اسناد است و تنها وظیفه شهرداری در این خصوص صرفاً اظهار نظر کتبی در خصوص نقشه افزایی بر اساس طرحهای جامع و تفصیلی و دیگر ضوابط شهرسازی حداکثر ظرف مدت ۲ ماه می‌باشد. بنده به رأی شماره ۴۹۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع تفکیک و افزایش در مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۴ و منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۹۲۲۴ - ۱۳۸۹/۱۲/۲۹ استناد می‌کنم بدیهی است مالکین قبلی اراضی کارکنان شرکت تعاونی مسکن مرکز تحقیقات کشاورزی گرگان و گنبد بعد از خرید عرصه و تملک و قطعه‌بندی در سالهای گذشته چندین مرحله به استناد اسناد بدو در سال ۱۳۷۶ و سپس در سال ۱۳۸۲ به شهرداری مراجعه کرده‌اند و شهرداری بر اساس نامه شماره ۱۸۰۶۷/۴ - ۱۳۷۶/۴/۱۷ و ۵۰۷۰۴/۶ - ۱۳۸۲/۶/۱۶ با هدف کسب منافع مالی بیشتر در آینده از وظایف قانونی خود سر باز زده است. بعد از اخذ سند مالکیت رسمی و تأیید نقشه‌های مربوطه توسط اداره ثبت و با اخذ نظر از مراجع قانونی و متولی نسبت به صدور سند مالکیت انفرادی اقدام شده است و ساکنین سپس اقدام به خرید و فروش و معامله قانونی نموده‌اند شهرداری این مبالغ مالی هنگفت را که بعضاً صدها برابر قیمت خرید ملک است برای ارائه خدمات شهری از هر یک از قطعاتی که دارای سند مالکیت است تقاضا می‌کند. برابر تبصره ۳ ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها تنها برای اراضی بالای پانصد مترمربع دارای سند مالکیت اخذ ۲۵ درصد با توافق مالک مجاز دانسته شده است و این درحالی است که شوارع عامی وجود نداشته باشد. مبرهن و آشکار است که تمامی شوارع عام که توسط نقشه‌برداری هوایی مشخص شده و بر اساس گزارش شهرداری دارای پهنه‌بندی و گذر عمومی است و توسط اداره ثبت مجزا و مفروض شده است به صورت رایگان جهت ارائه خدمات شهری برای شهرداری و دستگاههای متولی (آب - برق - گاز - راه و فاضلاب شهری) و سایر مجموعه‌های خدماتی در شوارع عام قبلاً تأمین و در نظر گرفته شده است که عرصه مالکیت اینجانبان ۲۵۰ متر و کلیه اراضی دارای سند مالکیت بر اساس نقشه‌های هوایی دارای قطعات زیر ۵۰۰ متر می‌باشند اقدام صورت گرفته توسط شورای شهر عدول از اختیارات قانونی خود و بر خلاف تبصره ۳ و ماده ۵ قانون اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها که در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است می‌باشد و بر خلاف رأی صادر شده شماره ۲۱۸ - ۱۳۸۷/۴/۹ و دادنامه

با امتناع شاکیان از پرداخت وجه و ارائه مستندات آرای هیأت عمومی دیوان در خصوص غیر قانونی بودن اخذ مبالغ مذکور و درخواست اعلام شماره حساب به صورت مکتوب از طریق حسابداری، شهرداری با امتناع از انجام وظایف خود از ارسال پرونده اینجانب و سایر شاکیان به کمیسیون ماده ۵ خودداری نمود بعد از اتمام مهلت قانونی اجرای طرح فضای سبز توسط شهرداری و عدم پذیرش تحویل زمین بلاعوض و عدم رعایت مفاد قانونی تعیین تکلیف وضعیت اراضی و املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها و تبصره یک اصلاحی آن مصوب سال ۱۳۸۰ و با انقضای مهلت قانونی و عدم رعایت حقوق مالکانه اینجانب در صدور پروانه احداث بنا (بر خلاف رأی ۱۶۰ - ۱۳۸۰/۵/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری) به حکم بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداریها با دستور شهردار و معاون فنی شهرسازی و صورتجلسه کمیته فنی شهر سازی در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۱۳ با طرح مجدد پرونده در کمیسیون ماده ۵ و تغییر کاربری و صدور پروانه ساختمانی موافقت گردید. بعد از طی اقدامات مقدماتی و اخذ نظریه کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری و ارائه استعلامهای مربوطه، شهرداری مجدداً برای ارسال پرونده به کمیسیون ماده ۵ مبلغ ۶۴۳/۱۲۵/۰۰۰ میلیون بابت موافقت با تغییر کاربری و ارسال پرونده به کمیسیون ماده ۵ بر اساس مصوبه شورای شهر گرگان به شماره ۹۵/۵۷۰۹/۳ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۲ را طلب می‌نمایند که فیش مربوطه و پاسخ شهرداری به پیوست ضمیمه و تقدیم می‌گردد. بنا به دلایل ذیل، این مصوبه خلاف قانون است و اینجانب به نمایندگی از سوی سایر شاکیان که دارای وضعیت مشابهی می‌باشند تقاضای ابطال آن را از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و اعمال قانون بر اساس مواد ۹۲ و ۹۳ دیوان عدالت اداری را دارم.

اول) واگذاری رایگان قسمتی از ملک و یا هبه مبلغی به شهرداری عقد است که به اعتبار ماده ۱۹۰ از قانون مدنی در صحت عقود قصد و رضای متعاملین شرط شده است و قصد و رضا به اجبار و اکراه ایجاد نمی‌شود و شورای شهر مجاز به مجبور کردن افراد به حبه و مشروط شدن انجام وظایف اداری خود (به عنوان دبیرخانه کمیسیون ماده ۵) به شرط اجبار و تحقق آن حبه نیست.

دوم) الزام افراد به فعل بایستی منبعث از قانون باشد و به موجب بند ۳ ماده ۱ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی مصوب سال ۱۳۵۳ مقرر شده طرح تفصیلی عبارت از طرحی است که بر اساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهر نحوه استفاده از زمینهای شهری در سطح محلات مختلف شهر و موقعیت و مساحت دقیق زمین برای هر یک از آنها تعیین می‌شود. مطابق ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب سال ۱۳۵۱، بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به کمیسیون خاص محول شده است. نظر به مقررات قانونی فوق‌الذکر و اینکه در ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، تغییر کاربری اراضی از جمله وظایف شوراهای اسلامی شهر پیش‌بینی نشده است. همان گونه که مستحضرد تعیین و تغییر کاربری اراضی در طرحهای جامع و تفصیلی شهری مطابق قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری جزء وظایف و اختیارات کمیسیون ماده ۵ این قانون است و در مقررات خاص قانون مرقوم الزامی برای افراد به واگذاری رایگان اراضی خویش و یا پرداخت مبالغی قبل از اتخاذ تصمیم و یا قبل از موافقت با تغییر کاربری و یا در زمان موافقت با تغییر کاربری دیده نمی‌شود. بنابراین برای شورای اسلامی شهر وظیفه‌ای برای موافقت و یا مخالفت با تغییر کاربری در قانون پیش‌بینی نشده است که بر همان وظیفه جهت طرح پرونده در کمیسیون مبالغی اخذ نماید و حتی اگر مصوبه‌ای نیز در این خصوص داشته باشد این مصوبه به حوزه قانونگذاری وارد شده است که این اقدام قانونی نیست و وظیفه تعیین و تغییر کاربریها به عهده کمیسیون ماده ۵ است که شهرداری دبیر آن کمیسیون می‌باشد و دارای یک رأی قانونی می‌باشد و در ضمن اگر فرض را بر قانونی بودن این اقدام بدانیم مگر کمیسیون ماده ۵ با تغییر کاربری موافقت کرده است که اینجانبان قبل از تصمیم کمیسیون ماده ۵ باید مبلغ غیر قابل برگشت به حساب شهرداری گرگان واریز نمایم و مگر شهرداری در این خصوص خدمتی ارائه می‌دهد که می‌باید بابت آن خدمت مبلغی وصول نماید. (این اقدام بر خلاف رأی دادنامه ۵۶۳ کلاسه ۸۸/۶۹۰ - ۱۳۹۰/۱۲/۸ هیأت عمومی دیوان است).

سوم) مصوبه معترض‌عنه خلاف اصل تسلیط و رعایت حرمت قانونی و شرعی مالکیت افراد است و ایجاد محدودیت در قلمرو حقوق مالکانه کرده است و از این حیث با توجه به قاعده فقهی تقاضای امعان نظر دارد و امتناع شهرداری از صدور پروانه احداث بنا خود کوتاهی در انجام وظایف قانونی شهرداری می‌باشد. که در همین خصوص رأی ۸۷/۲۳۸ - ۱۳۸۷/۴/۲۳ و دادنامه ۹۴۹ - ۹۴۸ کلاسه پرونده ۱۱۰۲/۹۲ - ۱۱۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صادر و ابلاغ شده است.

اشخاص به طور رایگان یا دریافت وجه بابت حق تفکیک بدون رضایت و یا اذن صریح متقاضی و خارج از حدود اختیار بودن اقدامات در شهرداری و این که در استعلامات آن دیوان از شورای نگهبان نیز غیر شرعی بودن الزام افراد به واگذاری رایگان زمین به شهرداری و یا هبه به صورت اجبار به شهرداری و پرداخت حق مرغوبیت و امثالهم محرز و مسلم شده است و در تمام آراء وحدت رویه و هیأت عمومی یاد شده در موارد مشابه تصمیمات متولیان امر باطل شده است. بنا به دلایل فوق لذا با عنایت به افزایش مکرر مصوبات غیرقانونی توسط شورای شهر گرگان در دوره‌های گذشته و حال و عدم رعایت قانون توسط واحدهای حقوقی و شهرداران منصوب شده در شهرداری گرگان و اقدام تعمدی در عدم رعایت مصوبات هیأت عمومی دیوان در مصوبات بعدی شوراهای شهر که منجر به ایجاد مشکلات و نارضایتی برای شهروندان و وارد شدن خسارتهای مالی و افزایش حجم پرتعداد پرونده‌های تکراری در دیوان عدالت اداری و منجر به تبعیض در اجرای قوانین و بروز فساد اداری در ارکان شهرداریها و لوٹ شدن مصوبات قانونی و کارآمدی نهاد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و اتلاف وقت با ارزش قضات و تضییع حقوق عمومی جامعه و مردم می‌شود در جهت جلوگیری از تکرار این گونه اقدامات مکرر توسط شهرداری گرگان و افزایش تعداد پرونده‌های مطرح شده در قوه قضاییه از قضات شریف هیأت عمومی درخواست ابطال مصوبه مندرج در ستون خواسته و اقدام مرتبط با اعمال قانون بر اساس مواد ۹۲ و ۹۳ قانون تشکیلات آیین دادرسی در عدم رعایت مصوبات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و اقدام و اعمال قانون در برخورد با عوامل را دارد.»

شاکلی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۲۵۶۴ - ۱۳۹۷/۱/۲۲ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

«با سلام و تقدیم احترام

به استحضار می‌رساند در خصوص شکواییه مطرح شده توسط اینجانب بر علیه شهرداری گرگان در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۹ موضوع پرونده شماره ۱۷۰۲۰۵۸۰۹۰۹۹۸۰۹۶ و شماره بایگانی ۹۶۳۲۱۱ و کلاسه پرونده ۱۸۸۴/۹۶ اینجانب در متن شکایت یادآوری نموده‌ام که در آراء مشابه صادر شده قبلی هیأت عمومی دیوان در خصوص غیرشرعی بودن اقدامات مشابه قبلی شهرداری گرگان اظهارنظر در آرای صادر شده صورت گرفته است بدین وسیله اعلام می‌گردد خواستار رسیدگی و ابطال مصوبه شورای شهر گرگان از بعد قانونی بوده‌ام و درخواست رسیدگی از بعد شرعی را ندارم مراتب جهت استحضار و دستور اقدام مقتضی به عرض می‌رسد.»

متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«جناب آقای حسین صادقلو

شهردار محترم گرگان

با سلام

احتراماً به پیوست نامه شماره ۶۹۰۶۱/۱۰ - ۱۳۹۵/۱۱/۶ شهرداری، موضوع محاسبه و اخذ عوارض تأمین سرانه‌های خدمات عمومی شهر تبدیل کاربریهای عمومی (آموزشی، اداری، انتظامی، ورزشی، درمانی، فرهنگی هنری، فضای سبز عمومی و پارکها، مذهبی، تاسیسات و تجهیزات، حمل و نقل و انبارها، نظامی، باغات و کشاورزی، میراث تاریخی و طبیعی، تفریحی و توریستی، خدمات ناحیه و محله) از ابتدای سال ۱۳۹۶ و بعد از آن به کاربریهای اختصاصی (تجاری، خدماتی، مسکونی، صنعتی) به ازای هر مترمربع p ۲۵ که به شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ - ۹۵/۵۶۷۷/۱ در دفتر اندیکاتور شورای شهر ثبت و سپس به کمیسیون اداری، مالی و بودجه جهت بررسی ارجاع گردید، پس از دریافت گزارش کمیسیون لایحه مذکور در سید و چهل و چهارمین جلسه رسمی، علنی و فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۱ شورای اسلامی شهر گرگان قرار گرفت که پس از طرح در جلسه پیشنهاد شهرداری به شماره ۶۹۰۶۱/۱۰ - ۱۳۹۵/۱۱/۶ با رعایت قوانین و مقررات مربوطه مصوب گردید.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر گرگان به موجب لایحه شماره ۹۷/۵۲۳۶/۱ - ۱۳۹۷/۱۰/۱۳ توضیح داده است که:

«قضات محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً در خصوص کلاسه پرونده ۹۶۰۱۸۸۴ موضوع دادخواست آقای احمد چراغعلی علیه شهرداری و شورای اسلامی شهر گرگان به خواسته ۱- ابطال مصوبه شماره ۹۵/۵۷۰۹/۳ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۲ شورای اسلامی شهر گرگان در خصوص اخذ عوارض تأمین سرانه‌های خدمات عمومی شهر و تبدیل کاربریهای عمومی به اختصاصی برای سال ۱۳۹۶ ۲- جبران خسارات وارده ۳- رعایت حقوق شاکیان، توسعه گذر و خودداری از تصرف غیرقانونی املاک شاکیان و تحویل زمین معوض و اجرای طرح فضای سبز در مهلت مقرر قانونی ۴- پرداخت مبلغ قانونی بر اساس قیمت کارشناسی و یا صدور پروانه ساختمانی بر اساس پروانه‌های ساختمانی املاک همجوار و رعایت ضوابط قانونی در تملک زمین موردنیاز

شماره ۶۹۸ - ۶۹۷ تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۶ کلاسه پرونده ۶۸۳/۹۳ و ۶۸۲/۹۳ هیأت عمومی دیوان می‌باشد.

هفتم) طبق قانون اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداری، بر اساس تبصره ۴ فقط معابر و شوارع عمومی که در اثر تفکیک اراضی احداث می‌شود متعلق به شهرداری بوده و در قبال آن وجهی به مالکین پرداخت نمی‌شود و در صورتی که امکان تأمین شوارع و معابر مورد تفکیک و افزاز میسر نباشد شهرداری می‌تواند با تصویب شورای اسلامی معادل قیمت آن را به نرخ کارشناسی دریافت نماید. (در زمینهای بالای پانصد مترمربع) اخذ زمین رایگان یا وجهی از جهت سرانه‌های خدماتی و یا افزایش گذرهای عبور و مرور و تعرض به اراضی دارای سند مالکیت رسمی تحت عناوین افزایش معبر عمومی و یا اجرای طرح خدماتی و یا فضای سبز و تعرض به املاک افراد و ایجاد نقص در اسناد مالکیت بدون پرداخت وجه اراضی و اقدامات خود سرانه شهرداری در تصرف املاک مالکین و یا تحت هر عنوانی که باشد طبق آراء متعدد هیأت عمومی از جمله رأی شماره ۱۰۸۶ - ۱۳۹۴/۹/۱۰ و دادنامه شماره ۷۶۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۷ کلاسه پرونده ۸۹/۳۸۲ به لحاظ مغایرت با قانون و خارج بودن از اختیار شورای اسلامی شهرها ابطال شده است.

هشتم) در موارد مشابه چندین فقره رأی هیأت عمومی صادر شده است و اتفاقاً بر اساس قانون دیوان عدالت اداری، دستگاه‌ها بایستی در تصمیمات خویش این آراء و تصمیمات قضایی را مد نظر قرار دهند تا از ایجاد دور تسلسل جلوگیری شود و جهت استحضار به تعدادی از این آراء وحدت رویه اشاره می‌کند:

۱- رأی شماره دادنامه ۵۷۲ - ۱۳۹۶/۶/۱۴ هیأت عمومی دیوان در مورد شورای اسلامی شهر گلستان

۲- رأی شماره ۱۸۳ - ۱۳۹۶/۳/۲ هیأت عمومی دیوان در کلاسه پرونده ۱۳۱۲/۹۵ در خصوص شورای شهر گرگان

۳- رأی شماره دادنامه ۱۸۶ الی ۱۸۹ - ۱۳۹۶/۳/۲ کلاسه پرونده‌های ۹۷۳/۹۵، ۹۷۳/۹۵، ۲۴۰/۹۵، ۹۷۱/۹۵، ۹۷۱/۹۱ هیأت عمومی در خصوص شورای شهر گرگان

۴- رأی دادنامه شماره ۱۷۵ کلاسه پرونده ۵۲۴/۸۹ - ۱۳۹۶/۳/۲ هیأت عمومی دیوان در خصوص شورای شهر گرگان

۵- رأی دادنامه شماره ۱۴۴۴ کلاسه پرونده ۱۲۶۵/۹۲ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان

۶- رأی شماره دادنامه ۱۳۰۱ - ۱۳۰۰ کلاسه پرونده ۱۸۱/۹۳ و ۱۱۱۷/۹۲ - ۱۳۹۵/۱۲/۳ هیأت عمومی دیوان

۷- رأی دادنامه شماره ۱۲۲۲ کلاسه پرونده ۱۱۰۶/۹۱ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۱ هیأت عمومی دیوان

۸- رأی شماره دادنامه ۷۶۹ در کلاسه پرونده ۳۸۲/۸۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۷ شورای اسلامی شهر راور در سال ۱۳۹۵

۹- رأی شماره دادنامه ۷۷۰ - ۷۷۱ در کلاسه پرونده ۱۱۳۷/۹۴ و ۵۰۸/۹۲ - ۱۳۹۵/۱۰/۷ هیأت عمومی دیوان

۱۰- رأی شماره ۷۸۳ - ۱۳۹۴/۶/۲۴ هیأت عمومی دیوان در مورد شورای اسلامی شهر گرگان و ابطال مصوبه شماره ۸۶/۲۵۴۴۲/۳ - ۱۳۸۶/۱۱/۱۱

۱۱- رأی شماره دادنامه ۹۴۹ - ۹۴۸ کلاسه پرونده ۱۱۰۳/۹۲ - ۱۱۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۵ هیأت عمومی دیوان

۱۲- رأی شماره ۶۲۷ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ هیأت عمومی دیوان در خصوص مصوبه شورای اسلامی شهر گرگان

۱۳- رأی شماره ۵۶۳ - ۱۳۹۰/۱۲/۸ هیأت عمومی دیوان در خصوص مصوبه شورای اسلامی شهر گرگان

۱۴- رأی شماره ۸۷/۲۳۸ - ۱۳۸۷/۴/۲۳ هیأت عمومی دیوان در خصوص احداث بنا

۱۵- رأی شماره ۲۱۱ - ۱۳۸۵/۴/۱۱ هیأت عمومی که در مقام ابطال صورت جلسه مورخ ۱۳۸۰/۶/۷ شورای شهر شیراز صادر شده است.

۱۶- رأی شماره ۵۶۱ - ۱۳۸۴/۱۰/۱۱ هیأت عمومی که در مقام ابطال مصوبه ۵/۸۲/۲۳۴۲ شورای شهر کرج صادر شده است.

۱۷- رأی شماره ۳۸۶ - ۱۳۸۱/۱۰/۲۹ هیأت عمومی در مقام ابطال دستورالعمل ۶۱/۲۹۵۳۱ - ۱۳۷۵/۶/۲۱ استانداری همدان.

۱۸- رأی شماره ۳۵۴ الی ۳۵۸ - ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ هیأت عمومی که بخشنامه شماره ۱۳۸۳۱ - ۷۹۰ - ۸۰ شهرداری تهران را باطل کرده است.

۱۹- رأی شماره ۱۵۳ - ۱۳۹۲/۲/۳ و ۳۴۶ - ۱۳۸۰/۱۰/۲۳ مصوبه شورای اسلامی تبریز و شورای اسلامی شهر گرگان در تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۴ با عنوان عوارض ورود به محدوده شهر باطل شده است.

احتراماً عنایتاً به مادتين ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی در باب اعتبار مالکیت مشروع اشخاص و اصل تسلیط و آثار قانونی مترتب بر آن و عدم جواز تملک یا تصرف اراضی و املاک

با توجه به توضیحات صدرالذکر در باب «اخذ عوارض تأمین سرانه‌های خدمات عمومی و ... منشاء ماده ۱ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ می‌باشد که در آن به شهرداری اجازه داده شده برای تأمین نیازمندیهای شهری و احداث و اصلاح و توسعه معابر و ایجاد پارکها و پارکینگها (توقفگاهها) و میدانها و حفظ و نگهداری پارکها و باغهای عمومی موجود و تأمین سایر تاسیسات مورد نیاز عمومی و نوسازی محلات و مراقبت در رشد متناسب و موزون شهرها از وظایف اساسی شهرداریها است و شهرداری اجرای وظایف مذکور مکلف به تهیه برنامه‌های اساسی و نقشه‌های جامع است» در همین راستا و در قالب اجرای برنامه‌های بیان شده شهرداری با تصویب شورای اسلامی شهر اقدام به تعیین و تصویب عوارض تأمین نیازمندیهای شهری نمود که کاملاً در مدار قانون می‌باشد.

علیهذا عوارض مذکور در چهارچوب قانون و منطبق بر صلاحیت و اختیارات شورای اسلامی شهر گرگان وضع و برقرار گردیده‌التهایه استدعای رد شکایت شاکی را دارم.» رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه وضع عوارض برای ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری متفاوت از عوارض تأمین سرانه‌های خدمات عمومی شهر می‌باشد و نظر به اینکه قانونگذار در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک و اراضی واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها، در هنگام ورود املاک و اراضی به محدوده قانونی شهرها و استفاده از خدمات عمومی شهری و در تبصره ۳ ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداریها در هنگام تفکیک، اخذ سرانه خدمات عمومی طبق مقررات تبصره‌های مذکور تجویز کرده است و این امر خارج از شمول تبصره ۱ ماده ۵۰ و بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران است، بنابراین مصوبه مورد اعتراض مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۲۰۰۳ ۱۳۹۸/۵/۲۷
بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۸۸/۱۱/۲۰ - ۲۶۱ مورخ ۱۳۹۸/۵/۸ با موضوع: «ابطال مصوبه شماره ۲۶۱ - ۱۳۸۸/۱۱/۲۰ - ۲۶۱ شورای اسلامی شهر رامسر» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۸ شماره دادنامه: ۹۱۴ شماره پرونده: ۲۰۰۳/۹۷
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: سازمان بازرسی کل کشور
موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۲۶۱ - ۱۳۸۸/۱۱/۲۰ شورای اسلامی شهر رامسر

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۱۱۲۳۷۸ - ۱۳۹۷/۵/۲۲ اعلام کرده است که:

«حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند، مصوبه شماره ۲۶۱ - ۱۳۸۸/۱۱/۲۰ شورای اسلامی شهر رامسر از جهت انطباق با قانون در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه به شرح ذیل جهت استحضار اعلام می‌گردد:

در مصوبه شماره ۲۶۱ - ۱۳۸۸/۱۱/۲۰ شورای شهر رامسر تصریح شده است: «نامه شماره ۱۰۱۶۴/۶ - ۱۳۸۸/۱۰/۲۴ شهرداری با عنایت به بند ۲ مصوبه شماره ۱۸۲ - ۱۳۸۸/۱/۳۱ و بند ۱ مصوبه شماره ۱۹۲ - ۱۳۸۸/۳/۴ آن شورا در خصوص صدور پروانه ساختمانی در زمینهای فاقد سند مالکیت در جهت حل مشکل این قبیل زمینها اشعار می‌دارد: بر اساس

شهرداریها بدین وسیله در مهلت قانونی به شرح لایحه تنظیمی این شورا دفاعیات خود را به حضور تقدیم و معروض می‌دارد:

۱- خواسته شاکی به غیر از بند اول الباقی در صلاحیت محاکم عمومی حقوقی شهرستان گرگان می‌باشد که به لحاظ ترافیعی بودن و بر اساس ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی و تشکیلات دیوان در صلاحیت آن هیأت نمی‌باشد لذا دعوا از این جهت مطابق اصول و قواعد دادرسی دیوان طرح نگردید و قابل رد می‌باشد.

۲- شاکی در شرح شکایت فارغ از خواسته اصلی یعنی ابطال مصوبه شورا به شماره ۹۵/۵۷۰۹/۳ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۲ خود را نماینده تعدادی از افراد معرفی نمودند ضمن اینکه مستندات و دلیل سمت مشارالیه محرز نمی‌باشد و ارائه گردید موضوعاتی را مطرح نمودند که در صلاحیت قضات هیأت عمومی نمی‌باشد قسمتی در صلاحیت عام دیوان از جهت احراز وقوع تخلف در اقدام یا اتخاذ تصمیم خلاف قانون و مقررات و قسمتی در صلاحیت محاکم عمومی حقوقی می‌باشد از این جهت این قسمت از شکایت شاکی قابلیت استماع و رسیدگی را نداشته و دعوا از این جهت مردود می‌باشد.

۳- در خصوص الزام شهرداری به تملک اراضی و املاک واقع در طرحهای مصوب شهری و یا توسعه معابر هر چند موضوع خارج از حدود اختیارات و صلاحیت آن هیأت و در صلاحیت محاکم عمومی می‌باشد لیکن جهت تشحید ذهن به استحضار می‌رساند: شهرداریها بر اساس طرحهای اعلامی از سوی وزارت کشور «سازمان شهرداریها» به صورت ضوابط و مقررات طرح جامع و تفصیلی منطبق با لایحه قانونی نحوه خرید اراضی و املاک واقع در طرحهای عمرانی و عمومی دولت مصوب سال ۱۳۹۵، قانون نحوه تقویم و ارزیابی اراضی و املاک مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۸ بر اساس ضرورت، اولویت و اعتبار مصوب خود هر سال تعدادی از پروژه‌های عمومی و عمرانی را در غالب تعریض خیابان، احداث فضای سبز و پارک، احداث پارکینگ طبقاتی سایر طرحهای مرتبط اجرا می‌نمایند. لذا با توجه به محدودیت اعتبارات و بودجه شهرداری اجرائی کردن کلیه طرحهای تعریف شده در مقررات جامع و تفصیلی ارسالی وزارت کشور امکان‌پذیر نمی‌باشد و در قانون به صراحت پیش‌بینی گردیده در صورتی که ملکی از شهروندان در طرح مصوب شهری قرار گیرد شهرداری به عنوان مجری طرح مکلف است ظرف مدت ۱۸ ماه در خصوص خرید یا عدم خرید یا تملک یا عدم تملک اظهارنظر نماید چنانچه امکان خرید میسر نبوده لیکن در برنامه ۵ ساله شهرداری قرار داشته باشد مالک می‌تواند با سپردن تعهد رسمی از کلیه مزایا و حقوق مالکانه برخوردار گردد لیکن در صورت اجرای طرح در مدت ۵ سال شهرداری بابت اعیانی احداثی غرامتی پرداخت نکرده و صرفاً قیمت عرصه را به نرخ روز پرداخت می‌نماید چنانچه اجرای طرح بر اساس زمان‌بندی بیش از ۵ سال تعریف گردد مالک با سپردن تعهد از تمام حقوق مالکانه برخوردار خواهد شد و شهرداری پس از مدت ۵ سال در صورت اجرای طرح مکلف به پرداخت قیمت و غرامت بابت عرصه و اعیانی احداثی خواهد بود. همان طوری که به صورت خلاصه به عرض رسید قانونگذار به صورت شفاف و واضح حقوق و تکالیف شهرداری و شهروند را مشخص کرده است. لذا طرح و عنوان نمودن چنین موضوعاتی صرفاً جنبه فرافکنی و انحراف ذهن قضات در آماده‌سازی مقدمه شکایت به نفع خود می‌باشد.

۴- در خصوص ابطال مصوبه یعنی خواسته اصلی شاکی، شورای اسلامی شهر گرگان در اجرای تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و در راستای بند ۲۶ ماده ۵۵ قانون شهرداریها مستند به بند ۱۶ ماده ۷۱ و بر اساس قسمت آخر ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن تکالیف مقرر در بند ۲ ماده ۴۹ آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرحهای توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور به منظور تأمین سرانه‌های خدمات عمومی شهری که در اثر تبدیل کاربریهای عمومی از بین رفته و به کاربریهای اختصاصی از قبیل تجاری و خدماتی، مسکونی و صنعتی تغییر می‌یابد منطبق با صلاحیت و اختیارات حاصله نسبت به برقراری عوارض برای هر مترمربع به صورت $P = 25 P$ = قیمت منطقه‌ای» ملک اقدام نموده است فلسفه وجودی و پیش‌بینی چنین عوارضی صرفاً در تأمین مجدد سرانه از دست رفته می‌باشد شهرداریها در برخی موارد ناگزیرند بر اساس درخواست مالکین و به لحاظ شرایط خاص منطقه‌ای و محلی نسبت به تبدیل کاربری عمومی به اختصاصی برخی از اراضی اقدام نمایند لیکن به منظور جبران سرانه و احیاء مجدد در موقعیت و مکان مناسب‌تر شهرداری با دریافت عوارض این امکان را میسر خواهد کرد تا با تملک اراضی و املاک شهروندان در منطقه مورد دلخواه و مناسب به حال شهروندان کاربری از دست رفته را احیاء نماید. لذا در برقراری این نوع عوارض جنبه ترمیمی آن بر جنبه درآمدی غلبه داشته و نگرانی و دغدغه شهرداری در تأمین اعتبار بودجه برای بازگشت کاربری از دست رفته کاهش می‌یابد.

بر اساس تراکم پایین دست لحاظ خواهد شد. لذا سرانه مسکونی سرانه‌های خدماتی دیگر با توجه به کم شدن تراکم و متعاقب آن کم شدن جمعیت‌پذیری رعایت می‌گردد. بدین‌وسیله خواهشمند است در خصوص تراکم شناور به منظور صدور پروانه ساختمانی با توجه به شرایط اعلام شده نظریه ارشادی خود را اعلام فرمایید مطرح و «شورا به منظور حل مشکل شهروندان و تشویق آنان به دریافت پروانه ساختمانی شهرداری و رعایت کلیه ضوابط شهرسازی و جلوگیری از ایجاد بناهای غیر مجاز و غیر فنی در راستای تقویت ساخت و ساز درخواست شهرداری موافقت می‌نماید.»

علی‌رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضامنه آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

طبق ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب سال ۱۳۵۱، بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به وسیله کمیسیون به ریاست استاندار (و در غیاب وی معاون عمرانی استانداری) و با عضویت شهرداری و نمایندگان وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی و همچنین رئیس شورای اسلامی شهر ذیربط و نماینده سازمان نظام مهندسی استان (با تخصص معماری یا شهرسازی) بدون حق رأی انجام می‌شود. (اصلاحی ۱۳۸۸/۱/۲۳) و همچنین بر اساس ماده ۷ قانون مذکور شهرداریها مکلف به اجرای مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران طبق مفاد ماده ۲ هستند، بنابراین مصوبه شماره ۲۶۱ - ۱۳۸۸/۱/۲۰ شورای اسلامی شهر رامسر مبنی بر صدور پروانه ساختمانی با تراکم شناور برخلاف مصوبات طرح تفصیلی با تراکم‌های مشخص، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۱۰۱۶ ۱۳۹۸/۵/۲۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۱۵ مورخ ۱۳۹۸/۵/۸ با موضوع: «ابطال نامه شماره ۲۳۵۷۵۵ - ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۵/۸ شماره دادنامه: ۹۱۵ شماره پرونده: ۱۰۱۶/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای ذبیح اله پیرمردیان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال نامه شماره ۲۳۵۷۵۵ - ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ وزارت تعاون،

کار و رفاه اجتماعی

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال نامه شماره ۲۳۵۷۵۵ - ۱۳۹۳/۱۲/۱۳

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«مراجع حل اختلاف به موجب ماده ۱۶۰ قانون کار با شخصیت مستقل از وزارت کار ایجاد گردید که وزارت کار فقط یک عضو در آن دارد و به دلالت ماده ۱۶۱ قانون مذکور صرفاً محل تشکیل جلسات در ادارات کار می‌باشد. هیأت حل اختلاف مرجعی شبه قضایی است که آرای آن قطعی و حسب ماده ۱۶۶ قانون مزبور به وسیله اجرای احکام دادگستری به اجرا گذارده می‌شود که چنین ارزش یا اعتباری حتی برای دستورات وزیر کار در نظر گرفته نشده که نشانگر جایگاه حقوقی، مقام و منزلت هیأت‌های یاد شده است تا نتوانند با صدور بخشنامه در آنها نفوذ و بر سرنوشت متداعیین در دادرسی تأثیر بگذارند. محمل قانونی برای تعیین تکلیف برای هیأت‌های حل اختلاف وجود ندارد تا کارمندان روابط کار نتوانند به آنها امر و نهی نمایند، بنابراین بخشنامه مورد شکایت مغایر با مواد قانونی فوق و

طرح هادی شهر حد نصاب تفکیک در مناطقی از شهر ۲۰۰ و ۲۵۰ مترمربع تعیین شده بود که در زمان تفکیک زمینهای فاقد سند مالکیت توسط مالکین زمینها انجام می‌گردید ضمن هماهنگی با شهرداری به منظور رعایت ضوابط شهرسازی و رعایت حد نصاب و عرض گذر و عقب‌نشینی‌ها حد نصاب تفکیک نیز به مالکین ابلاغ می‌گردید که مالکین بر اساس حد نصابهای فوق اقدام به تفکیک قطعات نمودند ولی پس از ابلاغ طرح تفصیلی حد نصاب تفکیک در مناطق مختلف شهر تغییر و مناطق با حد نصاب ۲۵۰ و ۳۰۰ و ۵۰۰ و ۱۰۰۰ متری و در بخشی نیز بر اساس جهانگردی پذیرایی تعریف شده است. لذا این امر تناقضاتی را در حد نصاب با طرح هادی داشته و به طور مثال زمینهایی که در طرح هادی با حد نصاب ۲۰۰ مترمربع تعریف شده بود و به صورت خط عادی تفکیک شده بود پس از ابلاغ طرح تفصیلی حد نصاب آن به ۵۰۰ مترمربع تغییر یافت و به تبع آن برای آن قطعه با توجه به ضوابط طرح امکان صدور پروانه مقدور نمی‌باشد. لذا با توجه به کلیه موارد فوق و به منظور حل مشکل متقاضیان و شهروندان و در نهایت پیشنهاد می‌شود ضوابط حد نصاب صدور پروانه برای املاکی که قبل از ابلاغ طرح تفصیلی به صورت خط عادی تفکیک شده بودند به شرط آن که در پرونده‌های نوسازی یا در نقشه طرح تفصیلی و یا گزارشات کارشناسان فنی و استشهاده محلی خدمت تفکیک آن تأیید شود، فقط در زمان صدور پروانه ساخت حد نصاب به صورت شناور لحاظ شده و بسته به مترائ زمین تراکم کم، متوسط یا زیاد لحاظ شود... بدین وسیله خواهشمند است در خصوص تراکم شناور به منظور صدور پروانه ساختمانی با توجه به شرایط اعلام شده نظریه ارشادی خود را اعلام فرمایید مطرح و شورا به منظور حل مشکل شهروندان و تشویق آنان به دریافت پروانه ساختمانی از شهرداری و رعایت کلیه ضوابط شهرسازی و جلوگیری از ایجاد بناهای غیرمجاز و غیرفنی در راستای تقویت ساخت و ساز با درخواست شهرداری موافقت می‌نماید.»

این در حالی است که مرجع تصمیم‌گیری در خصوص تغییر ضوابط شهری (اعم از طرح تفصیلی، هادی و ...) در ماده ۵ قانون تعریف محدوده و حریم شهر، روستا، شهرک و نحوه تعیین آنها و ماده ۲ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، تعیین شده و شهرداریها مطابق ماده ۷ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مکلف به اجرای مصوبات صادره از شورای عالی شهرسازی و معماری ایران هستند، از این رو تغییر حد نصاب تفکیکی کاربری مسکونی در اراضی با میزان تراکم مختلف و مغایر با جدول شماره ۳ طرح تفصیلی شهر رامسر (ضوابط احداث بنای مسکونی در داخل محدوده شهر) از اختیارات شهرداری و شورای اسلامی شهر رامسر نمی‌باشد، بنا به مراتب ابطال مصوبه شماره ۲۶۱ - ۱۳۸۸/۱/۲۰ شورای اسلامی شهر رامسر مغایر با قوانین یاد شده و خارج از حدود اختیارات واضع تشخیص و ابطال آن در هیأت عمومی دیوان مورد تقاضا می‌باشد. مزید امتنان است از نتیجه اقدام و تصمیم متخذه این سازمان را مطلع نمایند.»

متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«نامه شماره ۱۰۱۶۴/۶ - ۱۳۸۸/۱/۲۴ شهرداری با عنایت به بند ۲ مصوبه شماره ۱۸۲ - ۱۳۸۸/۱/۳۱ و بند ۱ مصوبه شماره ۱۹۲ - ۱۳۸۸/۳/۴ آن شورا در خصوص صدور پروانه ساختمانی در زمینهای فاقد سند مالکیت جهت حل مشکل این قبیل زمینها اشعار می‌دارد: بر اساس طرح‌های فاقد سند مالکیت تفکیک در مناطقی از شهر ۲۰۰ و ۲۵۰ مترمربع تعیین شده بود که در زمان تفکیک زمینهای فاقد سند مالکیت که توسط مالکین زمینها انجام می‌گردید ضمن هماهنگی با شهرداری به منظور رعایت ضوابط شهرسازی و رعایت حد نصاب و عرض گذر و عقب‌نشینی‌ها حد نصاب تفکیک نیز به مالکین ابلاغ می‌گردید که مالکین بر اساس حد نصابهای فوق اقدام به تفکیک قطعات نمودند، ولی پس از ابلاغ طرح تفصیلی حد نصاب تفکیک در مناطق مختلف شهر تغییر مناطق با حد نصاب ۲۵۰ و ۳۰۰ و ۵۰۰ و ۱۰۰۰ متری و در بخشی نیز بر اساس جهانگردی پذیرایی تعریف شده است، لذا این امر تناقضاتی را در حد نصاب با طرح هادی داشته و به طور مثال زمینهایی که در طرح هادی با حد نصاب ۲۰۰ مترمربع تعریف شده بود و به صورت خط عادی تفکیک گردیده بود پس از ابلاغ طرح تفصیلی حد نصاب آن به ۵۰۰ مترمربع تغییر یافت و به تبع آن برای آن قطعه با توجه به ضوابط طرح امکان صدور پروانه مقدور نمی‌باشد، لذا با توجه به کلیه موارد فوق و به منظور حل مشکل متقاضیان شهروندان و در نهایت پیشنهاد می‌شود ضوابط حد نصاب صدور پروانه برای املاکی که قبل از ابلاغ طرح تفصیلی به صورت خط عادی تفکیک گردیده بودند به شرط آن که در پرونده‌های نوسازی یا در نقشه طرح تفصیلی و با گزارش کارشناسان فنی و استشهاده محلی قدمت تفکیک آن تأیید شود، فقط در زمان صدور پروانه ساخت حد نصاب صورت شناور لحاظ شده و بسته به مترائ زمین تراکم کم، متوسط یا زیاد لحاظ شود. به طور مثال برای ملک واقع در تراکم زیاد که حد نصاب تفکیک آن ۵۰۰ مترمربع می‌باشد بر اساس تراکم کم که حد نصاب ۲۵۰ مترمربع بوده، پروانه ساختمانی صادر گردد و نظر به اینکه تراکم در زمینهای زیر حد نصاب بر اساس تفصیلی کمتر از حد مجاز خواهد بود و تراکم آن

بلوچستان تنظیم و نوشته شده است و در نتیجه ادعای هرگونه دخالت در روند رسیدگی به پرونده مزبور در مراجع حل اختلاف کار فاقد اعتبار و غیر موجه می‌باشد.

۲- به استناد شرح وظایف تعریف شده از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای این اداره کل، یکی از وظایف اصلی اداره کل روابط کار و جبران خدمت نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به روابط کار و جبران خدمت در واحدهای اجرایی می‌باشد و مسلماً یکی از راه کارهای اساسی برای انجام این مهم، پاسخگویی به استعلامات واحدهای اجرایی در موارد ایجاد ابهام و سوال می‌باشد که این اداره کل حسب وظیفه عنوان شده باید با مراجعه و مطالعه دقیق قوانین و مقررات مرتبط با موارد مورد ابهام و کنکاش در منابع حقوقی مختلف، اقدام به پاسخگویی به واحدهای اجرایی در جهت رفع ابهامات و اجرای صحیح قوانین و مقررات مربوط به روابط کار بنماید. لذا بر خلاف آنچه که شاکی در دادخواست عنوان داشته است پاسخ‌های این اداره به استعلامات ادارات کل اجرایی در جهت حسن اجرای قوانین و مقررات روابط کار و بر حسب شرح وظایف این اداره کل انجام می‌پذیرد و این موضوع را نمی‌توان دخالت در امر رسیدگی در مراجع حل اختلاف کار عنوان داشت.

۳- در خصوص مفاد نامه شماره ۲۳۵۷۵۵ - ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ این اداره کل که مورد شکایت آقای پیرمردیان واقع شده است نیز می‌توان گفت همان گونه که در نامه مزبور مورد تأکید واقع شده است، اداره کارگاه از اختیارات بدون شک کارفرما محسوب و علی‌الاصول و بر همین اساس عزل و نصب مسئولین و مدیران کارگاه نیز به طریق اولی بر عهده کارفرما و جزو اختیارات ایشان محسوب می‌گردد و بدون شک هرگونه دخالت در این موضوع از سوی هر فرد، نهاد و یا ارگان دیگری اعم از دولتی یا غیر دولتی موجب ایجاد بی‌نظمی در کارگاه و از بین رفتن امنیت سرمایه‌گذاری توسط کارفرما شده و موجبات بی‌انگیزگی کارفرمایان در سرمایه‌گذاری و به تبع آن ناامن شدن حیات کارگاه را فراهم خواهد آورد. بر همین اساس قانونگذار در قانون کار و مقررات تبعی سعی نموده ضمن حفظ و صیانت از نیروی کار، در راستای ادامه حیات کارگاه و حفظ اشتغال موجود حتی‌الامکان از دخلت‌های بی‌مورد در این موضوع یعنی حیطه وظایف مدیریتی کارفرما جلوگیری به عمل آورد. یکی از مواردی که بدین منظور در دستورالعمل‌های این اداره کل پیش‌بینی و به آن اشاره شده است تبصره ۴ ماده ۱۳ دستورالعمل اجرایی طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل می‌باشد که بر اساس مفاد آن در کارگاه‌هایی که طبقه‌بندی مشاغل در آنها به شیوه تفکیک پست از شغل اجرا شده باشد، اتخاذ تصمیم در مورد تغییر پست افراد در این گونه کارگاهها از اختیارات مدیریت محسوب شده و مدیریت می‌تواند با توجه به فهرست تخصیص پست به شغل و در محدوده شغل مورد تصدی اقدام به گرفتن پست از اشخاص بنماید که این موضوع در نامه مورد شکایت آقای پیرمردیان به نحوه دیگری مورد بیان و تأکید قرار گرفته است و با توجه به این موارد، به مراجع حل اختلاف در خصوص رعایت قوانین مزبور در نگارش آراء و در موارد مشابه تأکید لازم شده است. لذا بر همین اساس نامه مورد شکایت در واقع تأکیدی بر اجرای قانون از سوی مراجع حل اختلاف کار محسوب می‌گردد.

۴- در نهایت امر و با توجه به موارد بیان شده به نظر نمی‌رسد تأکید بر اجرای صحیح قوانین و مقررات در رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در مراجع حل اختلاف کار دخالت در استقلال مراجع حل اختلاف کار محسوب شود بلکه این امر قسمتی از وظایف ذاتی اداره کل روابط کار و جبران خدمت در خصوص نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات و جلوگیری از اجحاف و از بین رفتن حقوق اشخاص و صیانت از جامعه کار و تولید می‌باشد. لذا با توجه به مجموع موارد فوق درخواست رد شکایت شاکی را از محضر قضات دیوان عدالت اداری دارم.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه مطابق ماده ۱۵۷ قانون کار، هیأت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما مرجع صالح برای رسیدگی به هرگونه اختلاف فردی بین کارگر و کارفرما یا کارآموز ناشی از اجرای قانون کار و سایر موارد مصرح در این ماده است، بنابراین بخشنامه معترض‌عنه با دخالت در تصمیم‌گیری مراجع حل اختلاف، اصل استقلال آنها را نقض کرده، بنابراین هم به جهت خارج از حدود اختیار بودن و هم به جهت مغایرت با قانون مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

خارج از حیطه اختیارات بنا به رأی وحدت رویه شماره ۴۷۳ - ۱۳۹۶/۵/۱۷ و ۸۲۶ - ۱۳۹۶/۱۲/۱ است.»

متن نامه مورد اعتراض به شرح زیر است:

«جناب آقای جهاندیده

مدیرکل محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سیستان و بلوچستان
با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۲۳۵۲۷ - ۱۳۹۳/۱۰/۶ به آگاهی می‌رسانم:

۱- با توجه به اینکه اداره کارگاه از اختیارات کارفرما می‌باشد و علی‌الاصول نصب و عزل مسئولین و مدیران کارگاه از اختیارات کارفرماست که در رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری نیز بدان اشاره گردیده است، بنابراین صدور رأی به خصوص در شرکت‌هایی که ساختار سازمانی آنان به تفکیک پست و شغل است، مبنی بر اعاده کارگر برپست مدیریتی اعم از همان پست یا پست مدیریتی همپراز خلاف قواعد و مقررات می‌باشد بنابراین به طور جد به مراجع حل اختلاف کار آن استان تذکر داده می‌شود تا از صدور رأی مشابه در این زمینه خودداری شود و در مواردی که فردی از پست مدیریتی عزل شده و مبادرت به شکایت نموده است شکایت نامبرده مبنی بر بازگشت به کار در پست مدیریتی مردود است. بدیهی است در این موارد مدیر معزول باید در پست کارشناسی مشغول به کار شود.

۲- همان طور که از نامه شماره ۹۳/۱۰/۱۳۴۶۹ - ۱۳۹۳/۹/۲۹ شرکت مدیریت تولید برق نیروگاه‌های استان سیستان و بلوچستان برمی‌آید، حکم صادره به نفع کارگر یک بار اجرا گردیده است و چنانچه این مطلب صحیح باشد، اجرای حکمی که یک بار اجرا شده است، برای بار دوم معنا ندارد بنابراین این موضوع باید به طریق مقتضی به اجرای احکام دادگستری محل اعلام شود.

۳- چنانچه ادعای کارفرما مبنی بر توافق با کارگر برای انتقال به شرکت توزیع برق خراسان جنوبی و در نتیجه متعاقب آن حذف پست سازمانی درست باشد، بنابراین پشتیبانی دوباره کارگر بعد از حذف پست جایگاهی نداشته و نامبرده ناچار می‌باشد به شرکت توزیع برق خراسان جنوبی منتقل شده و در پست توافق شده به کار مشغول شود.

۴- بنابراین با توجه به مطالب مذکور چنانچه کارگر مزبور اصرار بر ماندن در محل فعلی را دارد چاره‌ای جز قرار دادن ایشان در پست کارشناسی وجود ندارد. - مدیرکل روابط کار و جبران خدمت»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل حقوقی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به موجب لایحه شماره ۲۰۴۹۲۶ - ۱۳۹۷/۱۰/۱۷، نامه شماره ۱۳۰۴۱۹ - ۱۳۹۷/۷/۷ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (معاونت روابط کار) را ارسال کرده است که متن آن به قرار زیر است:

«جناب آقای ولی پور

مدیرکل محترم حقوقی

با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۹۸۲۶۳ - ۱۳۹۷/۵/۲۱ در خصوص ابلاغ نامه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۵۴۲ به کلاس پرونده ۹۷۰۱۰۱۶ - ۱۳۹۷/۴/۳۱ موضوع شکایت آقای ذبیح اله پیرمردیان به طرفیت وزارت متبوع مبنی بر تقاضای ابطال نامه اداری شماره ۲۳۵۷۵۵ - ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ این اداره کل پاسخ مربوط به شرح ذیل ارسال می‌گردد. خواهشمندم دستور فرمایید پاسخ ذیل عیناً به مرجع مذکور منعکس گردد:

۱- برخلاف آن چه که شاکی (آقای ذبیح اله پیرمردیان) در مورد دخالت اداره کل روابط کار و جبران خدمت در استقلال مراجع حل اختلاف کار عنوان داشته است، این اداره کل همواره بر اصل استقلال مراجع حل اختلاف کار به عنوان مرجع رسیدگی به اختلافات کارگری و کارفرمایی تأکید نموده است و در همین راستا یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های این اداره کل این است که به هیچ عنوان در طول جریان رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در مراجع حل اختلاف کار حتی در صورت استعلام ادارات کل اجرایی، اقدام به دخالت در امر رسیدگی و یا اظهار نظر در خصوص نحوه رسیدگی به پرونده‌ها نمی‌نماید، در خصوص نامه مورد اعتراض (نامه شماره ۲۳۵۷۵۵ - ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ اداره کل روابط کار و جبران خدمت) نیز موضوع بر همین منوال بوده و نامه مزبور در واقع پاسخ به استعلام اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سیستان و بلوچستان در مورد سوال شرکت مدیریت تولید برق استان مزبور بوده است که پاسخ موصوف بعد از اتمام روند رسیدگی به پرونده شرکت مزبور به طرفیت آقای محمود فرجامی فرد در مراجع حل اختلاف کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی سیستان و